

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

**در صفحات دیگر:**  
با فعالیت سند یکایی جهان آشنا شوید  
د صفحه ۲  
د شعر از عبد الوهاب البیاتی  
د صفحه ۷  
تحریرات اجتماعی د رجاء معه روستائی  
د صفحه ۳  
هوشنگ پور کریم

## به مناسبت روز قدس

جمعه گذشته، د رسالگرد روز جهانی قدس، میلیونها تن از مردم رسا سراسر ایران را د پر شور و آماجی انقلابی خود را د ریاری به خلق قهرمان فلسطین برای رهائی بیت المقدس و همه سرزمینهای عربی از جنگ اسرائیل غاصب فریاد کردند. راهپیمایی روز قدس، به طرز بیسپاسی بر معنادار سلسله روزهای د رخشان می نشیند که اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی د رشکجهگانه های اسرائیل و تظاهرات تکان دهنده دانشجویان مسلمان ایران را د آمریکا و انگلستان، که آن هم با اعلام روزه د زندانیان راهپیمایی همراه شد. نمونه های از مقاومت د لیرا نه ایمان استوار به پیروزی حق بر باطل پیش چشم جهانیان می گذارد. آیا جهان با رد یگرشاهد تکوین حرکتی است که از اعماق آشفشانی توده های مستضعف خاورمیانه آغاز می شود؟ باید ماند و دید. د رهز حال، برای مردم انقلابی ایران بر هبیری امام خمینی، فلسطین و بیت المقدس محرک د یگری برای تجلی وحدت نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بود. ما ست راهپیمایی عظیم روز جمعه را باید نشانه د یگری از پیوند انقلاب ایران با انقلاب فلسطین - ود قیق تر یگویییم - با همه انقلابهای خلقی ضد امپریالیستی د رسا سر منطقه و جهان - دانست. و این بخوبی د قطعنامه راهپیمایی روز جمعه پدید است. د واقع هم، تضمین پیروزی قطعی انقلاب ایران را بر دسایس و تهدیدهای دشمنان سوگند خورد. غدا آرش - امپریالیسم و صهیونیسم و متحدان شان د اروپای سرمایه داری کانا د ژاپن، چین و دست نشاندهگان آمریکا د منطقه - باید د رگستر و تحکیم چنین پیوندی جست. پیکار با دشمن غارتگر جنگ افروز، برای آن که با بیشترین امید و امکان پیروزی همراه باشد، ناگزیر بقیه د صفحه ۸

## انقلاب فلسطین با نهضت ضد امپریالیستی جهان پیوند عمیق دارد



فریادی که به مناسبت روز قدس از حلقوم میلیونها زن و مرد ایرانی د دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین برخاست، یکبار د یگری پیوند عمیق مبارزه ضد امپریالیستی مردم قهرمان ایران را با خلق د لا و فلسطین نشان داد. روز قدس، مسال مصادف با نزد همین سال تکوین جنبش مقاومت خلق فلسطین است. پیش از تصویر مرحله های سیاسی گسترش جنبش مقاومت فلسطین باید به اختصار منشا تاریخی رویا - رویی مردم فلسطین را با اسرائیل روشن ساخت. زیرا برخی نویسندگان مزدور امپریالیسم می کوشند منشا این خصومت را مذهبی و نژادی و انمود سازند و با این تبلیغات آلوده و مسموم به مبارزه خلق عرب بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم زیان برسانند. مبارزه خلق عرب فلسطین بر ضد صهیونیسم، برای آزادی و

استقلال به دوره پیدایش صهیونیسم و تحول آن به یک حرکت سیاسی باز میگردد. این حرکت سیاسی د ر نخستین کنگره صهیونیستها د ۱۸۹۷ د ر شهر بال سوئیس شکل گرفت. برنامه بال تعال صهیونیستها را به ایجاد یک "کانون ملی" د فلسطین برای مردم پیهود اعلام داشت. د ر حقیقت، این برنامه یک د ست

اندازی استعماری به اراضی فلسطین به یاری قدرت های امپریالیستی بود. بنا بر این، اختلاف خلق عرب فلسطین با اسرائیل محصول شیئ صهیونیستی امپریالیستی است. هدف از این سیاست الحاق اراضی دیگران و سلطه بر خلق های اسیر به منظور اجرای طرح های اقتصادی، سیاسی و نظامی

امپریالیسم است. این سیاست جنگهای متعدد عربها را علیه اسرائیل طی تقریباً سی سال موجودیت وی موجب گردید. بقیه د صفحه ۷

## کارگران خارجی در سیستم سرمایه داری انحصاری

شرایط کار روزندگی کارگران مهاجر غیر مجاز د ایالات متحده بقدری سخت و توارنفر است که د ولت ناچار شد توجه قانونگذاران و افکار عمومی را نسبت به آنان جلب نماید. د ۱۹۷۷، د ولت از کنگره دعوت نمود که د ر باره کارگران خارجی مقیم آمریکا که بیش از هفت سال د ر این کشور مقیم اند، پروانه اقامت ند آرند تا ابیبری اتخاذ نماید. د ولت پیشنهاد کرد که د رمورد این گروه از افراد حق اقامت ود ر پایان پنج سال حق مراجعه برای تقاضای تابعیت پذیرفته شود. اما کنگره این پیشنهاد را رد کرد. به همین علت، میلیونها تن از این قبیل افراد ود یگر مهاجرین که بطور غیر قانونی د ایالات متحده اقامت دارند، کماکان ناچارند قسمتی از دستمزدهای ناچیزشان را به قاچاقچیان که آنها را از مرز گذرانند ماند بپردازند. ود ر مجموع مطلق العنانی موسسات استعمار کنند ه و مقامات اداره مهاجرت نسبت به آنها بیش از پیش توسعه یابد. د صفحه ۸

**در هفته گذشته**  
سرانجام دانشجویان د ر بند د ولت ستم پیشه آمریکا، از زندان آزاد شد. د این پیروزی که نتیجه مقاومت سرسختانه دانشجویان - یان تا مرز تسلیم پلیس آمریکا بود، نشان دهنده عمق مبارزات حق طلبانه دانشجویان ایرانی هواداران انقلاب د آمریکا است. مدت بازداشت دانشجویان مسلمان ایرانی توسط پلیس فاشیست آمریکا، چهره کثیف و جنایت کارانه این د خون آشام پیش از پیش بر مردم جهان آشکارتر شد. مبارزه دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم آمریکا علی رغم تضییقات و فشارهای پلیس سبع آمریکا همچنان ادامه دارد و همانطور که امام د ریاست تاریخی خود به پاپ، تصریح نمود: "۱۰۰۰۰۰ ماد و مقابل آمریکا ایستاد. ما با آخرو نخواهیم گذشت. آمریکا با زگرد د یا این اشخاصی که تبع او هستند برگردند و ما ملت ما تا آخر نفس برای دفاع از حق حاضر است و تحت با رظلم نخواهد رفت". روحیه مقاومت و مبارزه پیگیر ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی د آمریکا و کانا د ا و اروپا د ریام های جدی اگانه انجمن اسلامی دانشجویان د آمریکا و کانا د ا به ملت ایران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و آیت الله منتظری (مطبوعات ۱۴ / ۵ / ۵۹) به روشنی منعکس شده است. دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا و کانا د ا از ماهیت توطئه های پلید و راهزانه شیطان بزرگ برداشته و اعلام میدارند. آمریکا با حکومتها د ست نشاند و جانی تا رک خود د منطقه و همچنین با تقویت عناصر ضد انقلاب د ر خارج ود اخل کشور اقامه ایجا د آشوب و نفاق نمود. قاست بنا بر این ما: "تاما هیت این مزدوران را د ر ناظران جهان نیا ن افشاء نکردیم از یای نخواهیم نشست".

## امپریالیسم سرمایه داری طفیلی، گندیده است

مقام امپریالیسم د ر تاریخ نشان میدهد که امپریالیسم سرمایه داری طفیلی و گندیده است. لنین د ر باره فساد سرمایه داری پس از رسیدن به مرحله انحصاری تحلیل جامعی بدست داد. است این فساد قبل از هر چیز د ر گرایش این نظام به تمرکززدن پیشرفت فنی نمایان است. د شرایط رقابت آزاد، سرمایه داران برای کسب سود اضافی تلاش میگردند قیمت تولید را از راه نوکردن تکنیکها پایین بیاورند. اما د ر وران امپریالیسم، انحصارات امکان میبند با کسب موقعیت ویژه د ر برقراری قیمت های انحصاری

انجمن اسلامی دانشجویان مقیم آمریکا بقیه د صفحه ۵

**دوگرایش در رشد نیروهای مولده در امپریالیسم**  
سود اضافی بدست آورند. موقعیت ممتاز بازار و کسب سود های کلان انحصارات را کم تر به نوکردن تکنیک تولید برمی انگیزند. انحصارات غالباً پروانه های اختراعات را خریداری میکنند. البته نه به خاطر اینکه اسلوبهای جدیدی د تولید برقرار کنند، بلکه فقط بخاطر اینکه رقیبان نشان از آنها استفاده نکنند. با وجود این، باید خاطر نشان ساخت که این گرایش به رکود د تحول تکنیک د ر شرایط امپریالیسم، گرایش به پیشرفت تکنیک را از بین نمی برد. لنین که از شما سازی گرایش امپریالیسم به تمرکززدن پیشرفت فنی بقیه د صفحه ۵

## گواهی چشم و گوش

۱۰۰۰ به آذین  
شنبه هفتم تیرماه  
چند دقیقه ای از گذشته است. یارد یگرد رتالا رکنفرانس طبقه همکف انترکتینا نتال هستیم. جلسه ای برای جمع بندی آنچه د رکابل و خوست و مزار شریف دیده یا شنیده ایم. نمایندگان می آیند و سخن می گویند. الگوی گفتارشان اگرچه یکی نیست، مفهوم، پیشوایم، د ر همه یکی است: کشوری د رکشا کثر ایجاد نظمی به سود مردم محروم، برای زمین برداشتن فقر و ستم و واپس ماندگی، ویی شک کارسان نمی گذرد. کسانیکه سروری سیاسی و امکان بهره کشی از دسترنج دیگران را از دست داد ماند به د شعنی و کارشکنی برمی خیزند. ود ر این میان اسلام را بهانه می کنند. و به نام اسلام - که از فریب بیرحمانه شان بیزار است - مردم را می کشند، خرمنها را آتش می زنند، گروگان می گیرند، بیمارستان و مدرسه را ویران می کنند، د رکلاسهای د رس گازی می پراکنند: کپسول های کوچکی به انداز یک بند انگشت که با سوزن سوراخ می کنند و به گوشه ای می اندازند... و پرچمیک چنین اسلامی را آمریکا است که به دست امثال ضیاء الحق بلند می کند! آمریکا، چین، پاکستان و دیگران، سلاح د رکف ضد انقلاب افغانستان می گذارند، باد لاری نفتی و غیر نفتی یا ریش می کنند، با شگرد های ترد ستانه به کنفرانس های میزبندش و د ر ستایش مجاهدات ها و پیروزیهایش (!) د ربوق و کرنای رسانه ها می د مند. و اما استقلال، چه کسی جز خود مردم افغان - د ر انقلابی که بند از دست و پایشان بر گرفته است - می تواند پاسداری آن باشد؟ ود ر رویا رویی با توطئه های امپریالیسم که انقلاب و استقلال بقیه د صفحه ۴

# بافتلتهای سندیکایی زحمتکشان جهان آشنا شویم

## تنظیم خواستههای کارگران

خواست های مهم کارگری را میتوان به ترتیب زیر تنظیم کرد و به قاعده د ر آورد :

- مقابله با نتایج و آثار استعما سرمایه داری
- تأمین قدرت خرید متناسب با نیازهای واقعی زحمتکشان
- کاهش زمان کار
- مقابله با آهنگهای شدید کار
- بهره مندی از پیشرفت علوم و فنون
- تأمین حق کار
- تأمین حقوق و آزادی های برای سازمان یافتن و مبارزه کردن

**قدرت خرید**  
آنچه که کارگر با مزد خود می تواند بخرد به آن قدرت خرید (مزد واقعی) میگویند

رابطه بین مزد و قیمت قدرت خرید را نشان می دهد :  
اگر مزد بیش از قیمت افزایش یابد ، قیمت خرید بالا میرود . به عکس ، چنانچه قیمتها بیش از مزد هافزونی یابند قدرت خرید کاهش می یابد .  
مالیات بر مصرف و درآمد قدرت خرید زحمتکشان را کاهش میدهد .

د ر کشورهای سرمایه داری کارگران و قشرهای زحمتکش همواره بخش بسیار عظیمی از مالیاتهای غیر مستقیم را میپردازند . زیانهای وارد به تأمین اجتماعی مخصوصا :  
- افزایش حق السهمها  
- کاهش تأمین هزینه های پزشکی ، داروئی و غیره  
به قدرت خرید مزد بگیران فشار وارد می آورد .

### قدرت خرید زحمتکشان میتواند بهبود یابد

۱- مزد ها میتوانند بد و ن افزایش قیمت کالا ها افزایش یابند . در این صورت از اضافه رزش ( و بنا بر این از سود ها ) کم میشود .  
فرض میکنیم :  
افزایش به میزان ۱۰٪ باشد  
و کارگر کثرت ارزشهای آفرید ه را به عنوان قیمت نیروی کارش دریافت کند .  
اگر رزش های آفریده ۱۳۵ ریال باشد این جد ول بدست میآید :

۹۰ : ( سود ها ) اضافه رزش	۴۵ : مزد
---------------------------	----------

حال با افزایش د ه د درصد به د ستمزد :

چنانچه ارزش آفریده همان ۱۳۵ ریال باشد این رابطه بدست میآید :  
 $49/5 = 45 + 4/5$  (نیروی کار)  
 $85/5 = 4/5 - 90$  (اضافه ارزش)  
۱۳۵ مجموع ارزش آفریده شده .

د ر اینجا ملاحظه میشود که افزایش د ه د درصد ستمزد با کاهش ۵٪ اضافه رزش همراه بود هاست .  
۲- افزایش د ستمزد ها د رسالهای اخیر با طولانی شدن مدت کار ، افزایش آهنگها و بهرهوری کار توأم بود هاست .  
۳- با تکمیل و پیشرفت تکنیکها قدرت خرید مزد ها میتواند پیوسته بالا برود .  
۴- قدرت خرید مزد بگیران حد اقل میتواند د ر برابر ترقی قیمتها تضمین شود . افزایش قیمت ها باید د ر افزایش مناسب د ستمزد ها منعکس گردد .

قیمت ها ۱۰٪ افزایش مییابند ، د ستمزد ها نیز ۱۰٪ افزایش یافته اند : **جد ول متحرك** اصلی است که ثروت خواهان آن است .  
بررسیهای زیر چگونگی تغییرات د ر مدت کار ، افزایش ثروتها و بهرهوری کارومیزان حوادث کار را د ر فرانسویا زار مشترک نشان میدهد .

### مدت کار

به گزارش وزارت امور اجتماعی فرانسه تغییر مدت متوسط

هفتگی کار برای مجموع فعالیتها به قرار زیر است :

۱۹۳۸	۳۸ ساعت
۱۹۵۸	۴۵ ساعت
۱۹۶۸ (اکتبر)	۴۰ ساعت
تغییر متوسط ساعت کار د رسال :	
۱۹۳۸	۱۹۴۰ ساعت
۱۹۶۸	۲۲۰۰ ساعت
با وجود این کارگران د ز ۱۹۶۸ اچهار هفته مرخصی با حقوق داشته اند ، د رسورتی که د ر ۱۹۳۸ این مرخصی د هفته بود هاست .	
هفته کار د ر فرانسه نسبت به سایر کشورهای بازار مشترک طولانی تر است :	
فرانسه	۴۶ ساعت
آلمان غربی	۴۳ ساعت
بلژیک	۴۳ ساعت
هلند	۴۴ ساعت
ایتالیا	۴۴ ساعت
لوگزامبورگ	۴۵ ساعت

### افزایش ثروت ها و بهرهوری

طی ده سال حکومت گلیست ها ،  
- د رآمد ملی ۵ تا ۴٪ د رسال افزایش یافته است  
- تولید ۶۰٪  
- بهرهوری ۵۰٪  
از ۱۹۳۸ تا ۱۹۶۸ ،  
- تولید صنعتی ۳/۵ با افزایش یافته است ( از ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۸ ، ۱/۱ تا ۲/۱ با افزایش یافته بود )  
همه اینها حاصل کار مزدوران است .

### حوادث کار

( تغییر حوادث کار د ر بخش خصوصی )

سال	تعداد مزد بگیران	حوادث خطرناک	%
۱۹۵۸	۹۳۱۳۶۲۴	۷۸۰۱۸	۷/۱۵
۱۹۶۲	۱۰۰۰۱۴۳۰	۹۳۶۳۷	۸/۷۴
۱۹۶۴	۱۱۰۱۳۰۶۳	۱۰۷۷۵۴	۹/۰۱
۱۹۶۶	۱۱۴۷۳۵۰۷	۱۲۰۶۱۶	۱۰/۵۷

یک بیلان غم انگیز :

- هر ۸ ثانیه یک حادثه خطرناک  
- هر ۷۵ دقیقه یک حادثه مرگ آفرین

### نیازهای جدید بر آورده نمیشود

- با رشد علوم و فنون و د رعین حال رشد سرمایه داری محصولاً جدیدی به بازار عرضه میشوند که زحمتکشان مشروعبا د اشتن آن تعامیل دارند .  
- این تعامیل ناشی از میل به لذت جوئی نیست ، بلکه د ر استی با ضرورت پیشرفت اقتصاد د یو اجتماعی مطابقت دارند .  
د حقیقت ، رشد سرمایه داری و شرایط کار روزندگی ناشی از آن نیازهای جدیدی می آفرینند .  
- آهنگ های کار پیدا آورنده نیاز به تغذیه بهتر ( مخصوصا نیاز به تأمین گوشت ) برای جبران مصرف نیروی عصبی است .

- نیاز به استراحت د ر هفته و استراحت طولانی تر د رسال صرفا به منظور تجدید نیرو است .  
- نیاز به آرامش واقعی همانا تأمین بهترین شرایط برای مسکن و بهترین شرایط برای استراحت ( گذراندن تعطیلات د رضای آزاد و غیره ) است .  
- دوری مسکن از محل کار ، نیاز به وسائل حمل و نقل زیاده ، سریع و راحت را به وجود آورد هاست ( د ر پاریس ۲۲٪ زحمتکشان بیش از ۲ ساعت برای رفت و آمد صرف میکنند ) . برای جبران نا کافی بودن حمل و نقل های عمومی ، اتومبیل دیگری چیزی تجملی نیست .

باجزء جزء شدن کار و آهنگ های کار برای مبارزه با از خود بیگانگی ناشی از آن ، نیاز به فرهنگ د ر ترکیبات گوناگوسون آن ( فرهنگ معنوی و مادی ) و نیز اوقات بیکاری و آرامش واقعی ضرورت دارد .  
د ر عصر ما ، همه نیازها د ر شرایط سرمایه داری بر آورده نمی شود . بنابراین ، کارگران به د شواری زندگی شان را سروسامان میدهند و حتی غالباً د ر ساز سازی نیروی کار خود نیز توفیق نمی یابند .

### حق کار

مزد بگیران چیزی جز نیروی کار خود ندارند . آیا آنها میتوانند آن را بفروشند؟ بنا بر این ، تأیید این مطلب مبالغه نیست که بیکاری کلی یا جزئی یک فاجعه است .  
اکنون بیکاری د رحدود ۱۷ میلیون انسان د ر کشورهای پیشرفته سرمایه داری پدید آمده . مزمن اجتماعی است و از معایب مهم و پرهیزناپذیر سرمایه داری بشمار میرود .



## بررسی دو اصطلاح

### طبقات

ماهیت آنتاگونیستی جامعه طبقاتی و تقسیم آن به طبقات توسط لنین به ضابطه د ر آمد : " طبقات به گروه های وسیعی از افراد گفته می شود که بر حسب جای شان د ر سیستم معین تاریخی تولید اجتماعی ، بر حسب رابطه شان با وسایل تولید ( که د ر بیشتر اوقات به وسیله قوانین تثبیت و تحکیم می شود ) بر حسب نقش شان د ر سازمان اجتماعی کار و بنا بر این ، بر حسب شیوه های کسب ثروت و اهمیت سهم ثروت هائی که د ر اختیار دارند ، متمایز می شود . " ( لنین آثار ، پاریس - مسکو ج ۲۹ ، ص ۴۲۵ ) بنا بر این ، تقسیم جامعه به طبقات هنگامیکه شیوه تولید تغییر می یابد ، د گرگون می شود . طبقات اساسی طبقاتی هستند که وجود شان بر اساس شیوه تولید فرمانروا د ر جامعه مفروض مشروط می شود . طبقات غیر اساسی که یا به بقایای کم و بیش مهم شیوه تولید پیشین یا به پیدایش جوانه های شیوه تولید آینده مربوط اند ، بنا بر ساختارهای ویژه اقتصاد مشخص میشوند .  
**طبقات گذاری** که د ر شیوه معین تولید بوجود می آیند ، طبقاتی هستند که د ر شیوه جدید تولید حفظ می شوند .  
طبقات جاوید نیستند ، زیرا آنها د ر مرحله معینی از رشد جامعه به وجود آمده و سپس ناگزیر باید از بین بروند .

لنین د ر خصوص از بین رفتن کامل طبقات یاد آور می شود : " باید نه تنها استعما رگران ، مالکان بزرگ ارضی و سرمایه داران سرنگون شوند و مالکیت شان لغو گردد ، بلکه باید هر نوع مالکیت خصوصی بر وسایل تولید محو شود و اختلافات بین شهر و ده و نیز اختلاف بین زحمتکشان یدی و فکری از بین برود " ( همانجا )  
طبقات د ر شرایط سوسیالیسم بنا بر این واقعیت که اختلافات یاد شده هنوز از بین نرفته اند ، باقی می مانند ، لیکن ماهیت آنها بطور اساسی تغییر می یابد ، زیرا مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و با آن آنتاگونیسم طبقاتی که شرط تعیین کنند های برای حذف طبقات است ، لغومی شود .  
برخی جامعه شناسان باختر برای مکتوم نگاهداشتن آنتاگونیسم بنیادی طبقاتی د ر میان بورژوازی و پرولتاریا ، تقسیم نامعین به " گروهها " ، " رده ها " ، " حرفه ها " و غیره را جانشین مفهوم طبقه می سازند . این جامعه شناسان با تجزیه ساختار طبقاتی جامعه به گروه بندی های مستقل د ر قلمرو اقتصاد و زندگی اجتماعی و سیاسی رابطه عضوی میان سلطه اقتصادی و سیاسی سرمایه داران را پوشیده نگاه می دارند . د ر بی این جامعه شناسان ، سوسیالیست های راست ، رفرمیست ها و تجدید نظر طلبان تئوری های " محو " طبقات را پیشنهاد می کنند .



هوشنگ پورکریم

# تحولات اجتماعی در جامعه روستایی ایران از آغاز تا کنون (۱۴)

ادامه قسمت پنجم :

وضعیت زحمتکش روستایی و جنبش های اجتماعی ایران در عهد حکومت خلفا

مناطق ایران دوام داشت. مثلاً بنا به قول مؤلف "تاریخ قم" اراضی قم و آبادیهای حوالی آن راد رساله های بین ۹۸ و ۱۰۶ هجری قمری حد اقل ۸ بار مساحت کردند. زیرا به قول مؤلف: "هر عاملی که آمد هاست قم را مساحت کرد و وپیمود و مگر بعضی که اعتماد بر مساحت دیگران کرد هاند و این مساحت ها بعضی آنند که تمام شد هاند و بعضی نا تمام ماند هوانچ مساحت ها که تواریخ به ذکر آن مناطق اندورا و پیمان از اهل قم و غیره روایت کرد هاند هشت مساحت است ۰۰۰ (۶) ."

چنانکه از "تاریخ قم" پیداست ضمن هر مساحت مقداری خراج سالانه را هم وضع می کردند که معمولاً فقط برای مدت چند سال اعتبار داشت. طبعاً پس از انقضای آن مدت، و یا با تعویض عامل، یا در دیگر خراج بر حسب مساحت جدید معین می شد. مثلاً ضمن پنجمین مساحت در قم، که در سال ۲۲۷ هجری قمری در زمان خلافت "واثق" و به وسیله "ابی الجارود منذر بن منصور" (عامل قم) تحقق یافت، مقدار خراج سالانه سه میلیون درهم ("سه هزار هزار درهم") برآورد شد (۷) .

در همین حال، خراجی که بر انواع اراضی و محصولات گوناگون وضع می کردند نمی توانست یکسان باشد. بنا بر این، مبلغ خراج هر یک از آنها را به نام، در صورت خراج هائیکه ثابت کرد هاند که "تاریخ قم" آن صورت خراج ها را در جای "وضیعه" و در جای "طسوق" (به صورت جمع "طسوق") نامید هونوشته است که:

"... هفت بار مال را به قم وضع کرد هاند و آن را به اصطلاح اهل دیوان هفت وضیعه می گویند و هفت طسوق" (۸) .  
مثلاً بر اساس وضیعه اول:

"... در هر جریبی از زرع گندم و جو و نخود و مرچو (۹) پانزده درهم و انگلی از درهمی وضع کرد هاند" (۱۰) .

در حالی که در همان وضیعه مقدار خراج برای هر جریب زمین از محصولات دیگر ارقام دیگری قید شده است:

"... جریبی از جاورس (۱۱) در همة رساتیق (۱۲) قم چهار درهم در همة کنجید و زیره و قرطم (۱۳) در همة رساتیق قم هر جریبی پانزده درهم، شنبلیله، هوسکن و سبذ در همة رساتیق نهد درهم و انگلی و به هر شش درخت فستق (۱۴) و زیتون یک درهم و ما یاد کردیم که مراد بطاقات از درخت، درخت های اند که ایشان را شاخ نباشد و در هر حوض و شاد در همة رساتیق قم و در همة جالیزی که آب آن ها ز رود خانه باشد خراج آن درود انگلی (۱۵) جالیزی بود که آب از رود خانه خورد، و در هر درخت جوز تام در همة و نصفی درخت میانه از جوز یک درهم درخت دون از جوز نیم درهم آسیا های رود خانه به هر یکی هفتاد درهم" (۱۶) .

این "وضیعه" به وضوح نشان میدهد که چگونه عمال حکومت خلفا از همة انواع محصولات زراعی و تأسیساتی نظیر آسیاب و حوض یا خمره و شاد خراج میستانند. در همین حال باید خاطر نشان کرد که هر چند مقدار خراج را در کلیه موارد به "درهم" محاسبه و تعیین میکردند، ولی در عمل قسمتی از آن بصورت جنسی تأدیه میشد. این نکته را میتوان از متنی راجع بوظایف خزانه دار عامل قم که در "تاریخ قم" مندرج است استنباط کرد. این خزانه دار (که وارد آنوقت هنوز به رسم عهد ساسانی "گاهبد" مینامیدند و در مکاتبات بصورت معرب "جهبذ" و در حالت جمع "جهابذ" مینوشتند) به ثابته یک دلال، که در همین حال متعهد و مسئول خراج میشد، بین خراج برد از آن و عامل قوا سطره بود البته به منظور تأمین مزد او و هزینه های دیگری که وصول و نقل و انتقال خراج در پی

چنانکه گفته شده، امرای عرب در همان اوان فتح ایران و حاکمیت نخستین خلفا، به منظور تضمین عوائد ناشی از فتح و دوام و استمرار چنین عوائدی، شیوه وصول مالیات های راکده را عهد دولت ساسانی معمول بود مجدداً به کار گرفتند. یعنی به کمک آن عهد از اشراف و ملاکان بزرگی که اسلام آورد هویسرودان فاتح عرب گرویده بودند رسوم "خراگ" (مالیات ارضی) و "گزیت" (مالیات سرانه) عهد ساسانی را به نامهای معرب "خراج" و "جزیه" برقرار کردند. از منابع تاریخی مربوط به قرون اولیه اسلامی می توان پی برد که لشکریان عرب، در اوان فتوحات خود در ایران، اراضی را نیز نظیر غنایمی از قبیل زروسیم، ظروف قیمتی، فرش و جامه، اموال دیگر و اسیرانی که به بردگی میبردند، مشمول قوانین شرعی تقسیم غنایمی دانستند. مسئله اراضی مفتوحه گویا برای نخستین بار پس از فتح "مدائن" (تیسفون) و ناحیه "سواد"، یعنی در زمان خلافت عمر، مطرح شد. "بلاذری" در این خصوص که موجب گفتگویی بین عمر و لشکریانش شده بود، مینویسد:

"... چون عمر سواد را فتح کرد، وی را گفتند: این زمین ها را میان ما بخش کن که به جنگ و ضرب شمشیر فتح کردیم. ایام عمر نیز یرفت و گفت: پس برای مسلمانانی که بعد از شما آیند چه خواهد ماند، و من بیم آن دارم که چون سواد را بخش کنیم بر سر آب بایکدی یگر به نزاع برخیزید" (۱) .  
و می افزاید که:

"... عمر مردمان سواد را بر سرزمینهای خویش باقی گذاشت و بر هرتن جزیه ای مقرر فرمود و بر زمینها نیز طسوق (خراج) نهاد، لکن آنها را بخش نکرد" (۲) .

همین روایت را مؤلف "تاریخ قم" (کتابی که در سال ۳۷۸ هجری قمری به عربی تألیف و در سالهای ۸۰۵ و ۸۰۶ به فارسی ترجمه شده) به همین مضمون آورده و نتیجه گرفته است که: "پس آن دیار را بر اهل سواد مقرر داشت و بر سرهای ایشان جزیه نهاد و بر زمینها خراج میستاند" (۳) .

از آنچه که در این قبیل منابع تاریخی راجع به نحوه تعیین خراج در اراضی مفتوحه نوشته اند به آسانی پیداست که با آنچه پس از سلطنت "قباد" در عهد دولت ساسانی معمول بود - و از آن به موقع خود صحبت شد - شباهت داشت. یعنی اعراب هم در ایران خراج را بر مبنای مساحت زمین و نوع کشت آن تقویم میکردند. چنانکه "بلاذری" در این خصوص مینویسد:

"قاسم ابن سلام مرا گفت: شنودیم از اسماعیل ابن مجالد از پدرش و او خود از شعبی که: عمر بن خطاب، عثمان بن حنیف انصاری را به جهت مساحت زمینهای سواد روانه کرد. عثمان سی و شش هزار جریب به شمارش آورد. پس بر هر جریب یک درهم و یک قفیز (غله) خراج وضع کرد. قاسم گوید: شنودم که قفیز مگویی (۴) بود هاست به نام شایرفان" (۵) .

"بلاذری" روایات دیگری را در خصوص اراضی سواد اعم از تاکستان، پنبه زار، نخلستان و وزاعت های ماش، شبد رکنجد و غیره نقل میکند که مقدار متفاوت خراج آنها را بر حسب مساحت زمین و یا بر حسب تعداد درخت تعیین شده بود و سرانجام از قول راوی دیگری خراج سواد را در زمان خلافت عمر یک میلیون درهم قید میکند که خراج نقدی و جنسی هر دو را شامل میشد.

این نحوه خراج ستانی از اراضی، پس از عهد خلفای نخستین طی خلافت بنی امیه و تا اوایل عهد بنی عباس کم و بیش راکتور

داشت، نسبت معینی بر مقدار خراج اضافه میکردند. در هر حال ۰۰۰ راجع به حقوق و وظایف خزانه دار قم در فصلی از "تاریخ قم" با عنوان "ذکر رسم جهبذ به قم" مطالب مشروح و دقیقی که بسیار نکات مبهم را روشن میکند مندرج است که در اینجا باید چند قسمت از آن را نقل کرد. از جمله، در تعریف "جهبذ" آمده است:

"... جهبذ شخصی است که رباب خراج او را به دیوان آنرا صاحب عهده شود که مال و متوجهات ایشان (۱۷) به تمام بیستاند و به دیوان رساند و رسم رباب سلطان (۱۸) چنان بود هاست که رباب خراج به قم جهبذ را نصب کرد هاند و او را ضامن شد هوضمان نامه عمال قم باز داده که هر آنچه جهبذ از خراج بیستاند و در دست و تحت الید و قبض او آید از جوه مالیه عهد هایشان بود و بر این قیاس برایشان عقد نامه ها می نوشتند و می نهادند و بر آن گواهی گرفتند" (۱۹) .

نویسند ه "تاریخ قم" نسخه ای از این قبیل عقد نامه ها را که در زمان خود او با نسخه قدیمی و مربوط به عهد خلافت "المقتدر ریالنه" بود یافته و نقل کرده است. در آن عقد نامه، "اهل خراج کوره قم"، "اهل عرب و ابناء عجم"، کسی را با ضامن شدن نفس و وجود او به منظور این که "جهبذ" باشد به عامل وقت در قم معرفی کردند و متعهد شدند که "اموال خراج" آن سال و بقایای "قبل از آن و آنچه از کسور و ما قبل آن و کفایت هر رسم و عادت بدان جا ریست" در مقابل "قبض" به "جهبذ" تأدیه کنند و در عین حال "حق جهبذ" هوسایر جوه مالیه و سایر جوه جبا یات را هم بپردازند. تعهد کنندگان متقبل تضمین یکدیگر نیز شدند هاند:

"... همچنین زند هان ما ضامن مرد هاست از ما و حاضران قایب و توانگزارند رویش، و ذمت ما و ذمت هر یکی از ما بری نشود الا به وفاق کردن بد این ما ضامن آن شد ه ایم و عقد بر آن بسته ایم" (۲۰) .

گذشته از این "عقد نامه"، که در واقع تعهد نامه ای است بر عهد ه خراج برد از آن قومی، "جهبذ" قم نیز در مقابل عامل یا حاکم قم تعهدی نوشته است که مضمون آن هم نکات مبهم بسیاری را روشن می کند.

ادامه دارد

## یادداشتها

- ۱- احمد بن یحیی البلاذری: "فتوح البلدان"، بخش مربوط به ایران، ترجمه دکتر آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۷.
- ۲- بلاذری، همان منبع، ص ۷.
- ۳- حسن بن محمد بن حسن قمی: "کتاب تاریخ قم"، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی، تصحیح و تحشیه سید جلال الدین طهرانی، تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۱۳، ص ۱۰۱.
- ۴- توضیح مترجم "فتوح البلدان" در باره "مکوک": برابر است با ۵ رطل و هر رطل ۲۸ رماست (مفاتیح ص ۱۲) - مکوک برابر است با هفت من و نیم (مفاتیح ص ۴) - مقدسی می گوید: مکوک و کسرو مختوم و کف و قفیز همه واحد وزن در خوزستان است، و مکوک جندی - شاپور برابر سه و یک درم من می باشد و مکوک عراق یک ششم قفیز، یعنی ۵ من می باشد (احسن التقاسیم ص ۱۲۹) .
- ۵- بلاذری: "فتوح البلدان"، صفحات ۷۰ و ۷۱.
- ۶- "تاریخ قم"، ص ۱۰.
- ۷- همان منبع، ص ۴.
- ۸- همان منبع، ص ۱۱.
- ۹- مرجوع عدس.
- ۱۰- "تاریخ قم"، ص ۱۱۲.
- ۱۱- جاورس = ارزن.
- ۱۲- رساتیق = جمع "رستاق" به معنی "روستا" و "قریه" .
- ۱۳- قَرَطْم = زعفران.
- ۱۴- کَسْن = گاو دانه.
- ۱۵- دودانگ = یک سوم.
- ۱۶- "تاریخ قم"، ص ۱۱۲.
- ۱۷- مقصود از "مال و متوجهات ایشان" انواع باج و خراجی است که "ایشان" ("ارباب خراج") مجبور به ادای آن بودند.
- ۱۸- یعنی در سال تألیف کتاب (۳۷۸ هجری قمری) که مقارن با ضعف و افول حکومت خلفای عباسی بود و "قرالدوله" دلمی بر قم، اصفهان، ری و همدان سلطنت می کرد.
- ۱۹- "تاریخ قم"، ص ۱۴۹.
- ۲۰- همان منبع، صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳.

### گواهی چشم و گوش

کشور را به نابودی تهدید می کند باز چه کسی جز مردم افغان حق دارد تصمیم بگیرد که از کجایاری بخواهند؟ چه کسی این حق را به امثال ضیاء الحق و قابوس بخاند و دیگر مترسکهای امپریالیسم داد است که قیام مردم افغان باشند؟

نمایندگان، در پی یکدیگر می آیند و هر یک به زبانی از همدردی خود با مردم افغانستان سخن می گویند و بیایند با مردم در میان نهند، دروغ و فریب تبلیغات امپریالیسم آمریکا و دست نشاندگان و متحدان چینی آن را محکوم می کنند. جلسه در پیریه پایان می رسد، ظهر است و ساعتی می گذرد. بر می گردیم و بنا هارمی خوریم، سپس از اندک استراحتی، به "سلامخانه" می رویم. اجلاس پایانی کنفرانس با حضور انبوهی از مهربانان، قرا راست ببرزک کارمل، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز هست، در آن سخنرانی کند. سلامخانه، ساختمانی کهنه و گرد نشسته که در آن چوب بیش از سنگ و آجر و گچ بکار رفته است. اینجا، در گذشته، به هنگام نوروز جشن های مذهبی فطری و قربان، شاه با رعایم می داد است. اما امروز روز دیگر است:

" پرویز کنون گم شد ... "

در حالی که دیگران ربه تالا ریزرگ راهنمایی می کنند، ما تنی چند را، به انتظار ورود ببرک کارمل، به طاقی می برند که در آن از بلند پایگان حزب و دولت کسانی هستند. طاقی باریک و دراز بی کمترین آراستگی، همچنان گرد نشسته، دستهایی به گرمی فشرده می شود و جابه جا گفت و شنود در می گیرد. در گرم گل آفتاب، عضو هیئت رئیسه شورای انقلابی، به عادت سپاه گیری خود راست به سوی هدف می رود و از انقلاب و آسیاست جمهوری اسلامی ایران می پرسد. در فرصت بسیار کمی که هست، از خصلت ضد امپریالیستی انقلاب، از سهم بزرگ توده های میلیونی زمتکشان در شکل بندی انقلاب، از پیگیری و قاطعیت امام خمینی در رهبری انقلاب شعاعی می گویم. در آنچه به افغانستان مربوط می شود و سیاستی که به بهانه اسلام راه را بر تحریر کات امپریالیسم بر ضد انقلاب مستضعفان در هر دو کشور ما هموار می کند پرسشی دارد که ناتمام می گذارد. پنج پچه ای و جنبشی در گرفته است. ببرک کارمل با گروهی که در رده اویند در آستانه در پیدار می شود. حاضران در روانگشی غریزی به صف می ایستند. یک به رئیس شورای انقلابی و صدراعظم افغانستان معرفی می شوند. فضا در سستی و لبخند ادبی، و ببرک کارمل از یکی به دیگری می رود. به من می رسد، دست پیش می آورد. ولی همین که نام "به آذین" را می شنود و من می گویم که از کجایم، در آغوشم می گیرد و می بوسد. آشنائی جانها ...

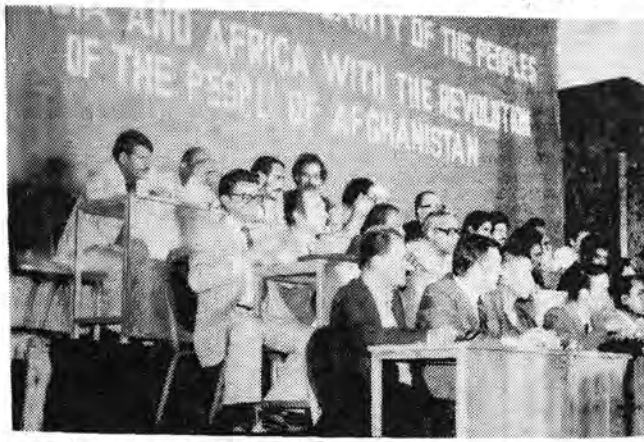
پس از شاید بیست دقیقه ای. بیشتر یا کمتر. که به گفتگو با برخی از نمایندگان کنفرانس همبستگی می گذرد، رئیس دولت به سوی تالا ر "سلامخانه" راهنمایی می شود. ما نیز از پی او می رویم. و در جایگاه مهربانان که پله پله بر بلندای است می نشینیم. انبوه جمعیت روبه روی ما است. یکی در هزارتن تنگ تنگ هم نشسته اند. تقریباً همه شان مرد، مگر تک و تک یک زن. گروهی نیز دم در ورودی ایستاد هاند.

تالا ر بهین است و چنان در راز که انتهایش را نمی توان به رستی دید. در و در یف ستون آن ربه یک بخش میانی و در و راهرو در رکنار تقسیم می کند. هوا سخت گرم است و نورافکن های و در دستگاه فیلمبرداری با زنگ ترش می کنند. عرق از هفت بندم جاری است.

پس از آن که غرش ممتد کف زدنها فرو می نشیند، ببرک کارمل ایستاده، به خواندن خطابه مافین کرد های که در بر بردارد می پردازد. صدایش رساست، طنین گرمی دارد و گاه، برای تأثیر بیشتر در شنوندگان او می تپد و تند و کوبند می شود.

او کنفرانس را مظهر زنده همبستگی بیکارجویانه خلقهای برادر با مبررات انقلابی "مرد مستضعف مسلمان افغانستان" می نامد. و این واژه "مستضعف"، در اضافاتش به مسلمان، به گوش من بسیار آشناست. آیا سخنران با توجه به حضور من آن ربه که کاربرد است یا از آن رو که روحانی شیعه، سید محمد علی شاه توکلی، نایب رئیس جمعیت علمای افغانستان که من در دیروز در مسجد شیرپور دیدم آنجا در یکی از صف های اول جمعیت نشستماست؟ به هر حال، من در رانتخاب این واژه ها نیت نهفته آن می بینم که برخویشاوندی و همزیانی و انقلاب ایسران و افغانستان تکیه شود. بویژه آن که در جای دیگر سخن از قوای

ا هر یعنی و "طاغوتی" هم می رود که با انقلاب در افتاد هاند. توجهم برانگیخته شد. ما است. یک کلمه از گفته های سخنران را نمی خواهم ناسنید مگر از ام:



جلسه پایانی کنفرانس همبستگی در تالا ر "سلامخانه".

" انقلاب افغانستان یک انقلاب عمیق ملی و دموکراتیک است که دارای جهت گیری صریح و برگشت ناپذیر ضد فئودالی و ضد امپریالیستی است. " انقلاب در رانشخانت گروهی فاسد و عوام فریب و غیر مسئول، و در رأس آنها حفیظ الامین، به سوی گمراهی و تباهی و انحراف از آرمانهای والای خود کشانید می شد و بیم آن می رفت که افغانستان در دام آلوده نهنگ و جنایت امپریالیسم آمریکا و ارتجاع سیاه در غلطد " اگر امروز افغانستان در کانون توجه جهانی قرار دارد، برای آن است که این کشور کسانون برخوردار تضا د های آشتی ناپذیر طبقاتی در این گوشه از جهان است. " اکنون که وطن ما در معرض تجاوز و آشکار رجبها، ناپاک نیروهای ارتجاعی منطقه، ارتجاع عرب و صهیونیسم به سرمد اداری امپریالیسم آمریکا و رتبیانی شرم آور با رهبری مرتد و فتنه گر یکن قرار دارد، ما حق داریم که به خاطر دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خویش، در توافق کامل با قرارداد حسن همجواری و همکاری با اتحاد شوروی. منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸- و ماده ۵۱ منشور ملل متحد، از دست بزرگ و راستین مردم ما، اتحاد شوروی برای دفع تجاوزاتی که از سرزمین های بیگانه به سر ضد منافع ملی حیاتی ما بهرامی افتد تقاضای کمک نمائیم. این حق مسلم ما است. ما حق داریم و ستان خود را انتخاب کنیم و بومیاری و ستان برضد دشمنان خود بزمیم. " انقلاب شور، همچنان که نوید بخش بهر روزهای مردم افغانستان می باشد، در تحکیم صلح منطقه و رفع تشنج نیز میتواند مؤثر واقع شود. به پیروی از همین خصلت انسانی انقلاب شور است که به تاریخ ۱۴ ماهه (۲۴ اردیبهشت) سال جاری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد های مشخص هفت ماده ای خود را مبنی بر جستجوی راه حل مسالمت آمیز معضلاتی که بین افغانستان و همسایگانش وجود دارد اعلام داشت ... ولی نیروهای ارتجاعی منطقه که نمی خواهند صلح در این منطقه جهان برقرار گردد، در برابری پیشنهاد های ما حسن نیت نشان ندادند. " نیروهای ارتجاعی جهان تمام کوششهای خود را در روجود پاکستان برضد افغانستان متمرکز ساخته اند. " سیاست دولت انقلابی ما بر اساس نریش و تفاهم با مردم مومقومت خستگی ناپذیر در برابرد دشمنان واقعی مردم استوار است. " دولت انقلابی ما در راه تحکیم فضای دموکراتیک و اعمال قانونیت دموکراتیک و انقلابی و احترام به معتقدات مذهبی و سنن ملی مردم ما با پیگیری می کوشد و در جهت بالا بردن سطح زندگی مردم مورشد سریع اقتصاد ملی گامهای مؤثری برمی دارد. " ما با قاطعیت سیاست همزیستی مسالمت آمیز و شرکت در جنبش عدم تعهد را تعقیب می کنیم. این سیاست از



جلسه پایانی کنفرانس با حضور ببرک کارمل.

ما هیت طبقاتی انقلاب ملی و دموکراتیک ما برمی خیزد. ما از جنبش های آزاد بیخشی ملی حمایت کامل می کنیم و تنها به خاطر حفظ و حراست منافع ملی خویش، بلکه به خاطر دفاع از منافع تمام خلقها می رژیم. سرنوشت مشترکی تمام جنبش های آزاد بیخشی و مترقی ربه هم پیوند می دهد. " ما به کمک

جنبش های همبستگی بین خلقها خواهیم توانست محاصره نیروهای ارتجاعی را چها از لحاظ مادی و وجه از لحاظ معنوی و تبلیغاتی در هم شکنیم.

" در ستان از جمند که به کشور ما تشریف آورد هاید، بانگ پسر شورا انقلاب ما را بجها نیا ن برسانید. به جها نیا ن بگویند که امروز قاتلین مسلمان هار یا کارانه جامه د فاع از اسلام را در برکرد هاند. به آنها بگویند که افغانستان در رجنبه خطرناک تجا ز امپریالیستی قرار دارد، و اگر وجود قوای محدود اتحاد شوروی نبود، امروز کشور ما در کام آزند و گندید ه امپریالیسم ر غلطیده بود.

سخنرانی کارمل که بیش از یک ساعت طول می کشد، در رچی جا از چا رچوب متنی که در برابراوست و نسخه پلی کیبی شد های از آن اکنون در دست من است فراتر می رود و رنگ صمیمی از دل برخاسته ای می گیرد. حاضران با کف زد نهایی پر شور چندی بار گفته هایش را تأیید می کنند و هنگامی که او، عرق ریزان، از برابر میکروفون می رود تا به جای خود بنشیند، سرا سرتالا ربه و لولسه می افتد.

پس از او، بارن ری نایب رئیس سازمان همبستگی منتهای آفریقا و آسیا سخنانی در رخور مجلس می گوید و از انقلاب افغانستان به استناد آنچه به چشم در این کشور دیده و شنیده هاست پشتیبانی می کند. در ریایان هم، او ببرک در دست یکدیگر را می فشازند و به نشانه دوستی یکدیگر را در آغوش می گیرند.

از ساعت هفت چیزی گذشته است، اجتماع تالا ر "سلامخانه" با سخنان کوتاه چند تن از نمایندگان پایان می پذیرد. ببرک کارمل، در جایگاه مهربانان، با یک یک شان به سادگی و صمیمیت دست می دهد و به زیر می آید. همراهان - والیتسه محافظان - اوراد در میان می گیرند و به ماشین می رسانند. بیرون می آئیم و به اقامتگاه خود می رویم. دست و روی می شویم و رخت عوض می کنیم.

ساعت هشت و نیم، مهربانی وزارت خارجه. تالا رهائی پنهانور، تودرتو، در روشنایی خیره کننده، چنچرا غها، در پوراها به پرد ههای نقاشی و کف تالا رها به قالی های گرانبها آراسته است. پذیرائی جا افتاده و مؤدب، رسمی، آشنایان تازه ای پیدا می کنم، از جوانان اهل قلم که در مطبوعات و رادیو تلویزیون کار می کنند. همه لطفی بیش از حد نشان می دهند. شرمند هام. بویژه وقتی که از ترجمه زنبق دره یا بابا گوریوس سخن می گویند. در استان کهنه.

یکی می آید و می گوید که آقای شاه محمد دست وزیر امور خارجه افغانستان مایلند چند دقیقه ای با من صحبت کنند. می روم. مردی است کم و بیش لاغر و آستانه پنجاه سالگی، با چهره ای روشن و گفتاری آرام، بسیار خوش برخورد، و تاجایی که مقامش اجازه دهد، بی تکلف زود به آنچه برایش و برای دیگر رهبران حزب و دولت افغانستان، مایه دغدغه خاطر است: ایران و سیاست جمهوری اسلامی ایران، می پردازد. آنجا چه می گذرد؟ انقلاب در رچه راهی می رود؟ و از ملاقاتی که سال گذشته درها و نانا با وزیر خارجه وقت ایران داشته است یاد می کند. نمی توانستم زبان هم را بفهمیم.

می گویم تا خصلت بویند ه انقلاب ایران را تشریح کنیم و بویژه از رهبری ضد امپریالیستی امام خمینی و پیگیری و قاطعیت ایشان در این زمینه سخن بگویم. به دقت گوش می کند و گاه نکته های پیش می کشد. می گویم: سرتکان می دهد. گوئی نگران است. و باز می پرسد: انتظار دارم که اصل نظر خود را بگوید. ولی نه مسئله بیش از این ابهام دارد و از شما چه پنهان، برای خود من نیز پیش خدمت می آید و ما ربه میز شام دعوت می کند. آقای شاه محمد دست به مهربانی بسیار را هنمایی می کند و مراقب است که من از همه نعمت های چرب و خوشبوورنگینی که بر مییز چید هاند بچشم، ولی افسوس! کجا است اشتباهی جوانی!

### شکل بندی طبقات

روند عینسی اجتماعی بر حسب رشد روابط اقتصاد می مشخص میشود. شرایط زندگی هر طبقه منافع و رفتارشانرا نسبت به سایر طبقات مشخص می سازد. بر اساس منافع مهم طبقاتی و تضاد آن با منافع طبقات متضاد در جریان مبارزه طبقاتی است که اتحاد اعضای هر طبقه تحکیم می یابد. عامل ذهنی (وقوف به منافع طبقاتی و تشکیل سازمانهای طبقاتی) نقش بسیار مهمی در شکل بندی طبقات بازی می کند پس از قوف به منافع طبقاتی و متشکل شدن طبقه از " طبقه ر خود " به " طبقه برای خود " تحول می یابد. تجمع آگاه ترین عناصر طبقات در سازمانهای طبقاتی مخصوصا در احزاب سیاسی در این روند اهمیت قاطعی دارد.

### بقیه امپریالیسم...

احترام مینمود، خاطر نشان میسازد: "واضح است که امکان کاهش هزینه های تولید و افزایش سودها از راه بهبود و تکمیل تکنیک موجب تغییراتی میگردد، اما گرایش به رکود و گندیدگی که خاص انحصار است، به نوبه خود به تأثیر خود ادامه میدهد و در برخی شاخه های صنعت، در برخی کشورها اتفاق می افتد که در زمان معین تفوق پیدا کند" (ولنسن آثار، ج ۲، ص ۲۹۸).

در مجموع میتوان گفت که با وجود رشد سریع نیروهای مولده، سرمایه داری این رشد در زمینه امکانات عظیمی که بوسیله علم و تکنیک جدید عرضه میشود، مبرا از عقبماندگی نیست.

"انقلاب علمی و فنی امکانات بیسابقه ای برای دگرگون کردن طبیعت و تولید ثروت های عظیم مادی و افزایش قدرت خلاق انسان به وجود می آورد، با وجود این، به جای قرار گرفتن این امکانات در خدمت تأمین رفاه عمومی سرمایه داری، انقلاب علمی و فنی برای افزایش سودهای بیشتر بهره برداری کرده و آن را به ابزار تحکیم استعمار زحمتکشان بدل میکند" (کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری مسکو ۱۹۲۹، انتشارات "صلح و سوسیالیسم" پراگ ۱۹۶۹، ص ۱۹).

### افزایش صاحبان درآمد، قشر انگل و تحکیم نظامی گری

در شرایط امپریالیسم، فساد جامعه سرمایه داری از راه ازدیاد قشرهای انگل و افزایش درآمد هایشان نیز نمایان میگردد. بخش مهمی از بورژوازی بزرگ کاملاً از تولید جدا میشوند. مدیریت مؤسسات بزرگ نیز به متخصصین مزد بگیر سپرد میشود، حال آنکه سرمایه داران بزرگ به موهبت درآمد - هائی که به عنوان مختلف سهام و اوراق قرضه بدست می آورند، در شرایط تجملی زندگی کرده و بیهوده صاحبان درآمد سرمایه داری بدل میشوند. تعداد اسناد در گردش اتماروبه

فزونی است، از این رو، حجم درآمد هائی که به شکل سود سهام و منفعت ها توسط قشر انگل یعنی صاحبان درآمد ها احتکار و انباشته میشود، به افزایش این قشر از سرمایه داران کمک میکند.

نتیجه صد و سرمایه داری صاحبان درآمد از تولید است. این شکاف همواره عمیق تر میشود. در دوران امپریالیسم تنها چند سرمایه دار مجزاد در موقعیت صاحبان درآمد قرار دارند، بلکه مجموعه ای از کشورهای در این موقعیت قرار گرفته از راه صد و سرمایه مایه و استعمار سایر کشورها و مستعمرات ثروت - های کلانی بدست می آورند. بنا بر این، در اینجا گفتگو از کشورهای صاحب درآمد است. کشورهای امپریالیستی از راه تجارت نابرابر با کشورهای کم رشد نیز سودهای هنگفتی بدست می آورند.

یادآور میشویم که شیوه زندگی انگلیسی منحصربه بورژوازی انحصارگرنیست، بلکه بخش بیش از پیش مهمی از جمعیت کشور در خارج از کار تولید قرار میگیرند.

در شرایط امپریالیسم نفرت ارتش، پلیس و دستگاه بوروکراتیک دولتی یعنی ارکانیسمهای زور و فشار علیه زحمتکشان فزونی میگیرد. هزینه های غیرتولیدی که محصول هرج و مرج تولید و تشدید رقابت است افزایش مییابد. فزونی قابل ملاحظه هزینه های تبلیغات، نقل مکان های ناموجه و غیره)

با وجود افزایش مطلق تعداد زحمتکشانی در قلمرو غیرتولیدی خطر بیکاری پیوسته روبه فزونی است. این واقعیات نشان میدهند که گندیدگی و ناتوانی سرمایه داری اجازه نمی دهد که نیروی مولده اصلی جامعه یعنی نیروی کار بکار گرفته شود.

حادترین شکل فساد امپریالیسم فزونی افسارگسیخته سیاست نظا میگیری و مسابقه دیوانهوار تسلیحاتی است که ویژگی دوران ما را تشکیل میدهد.

### فساد قشر بالایی طبقه کارگر و پیدایش اشرافیت کارگری

فساد قشر بالایی طبقه کارگری یکی از

نشانه های آشکار انگل گرائی و گندیدگی امپریالیسم است. این فساد ریشه در زمینه اقتصاد دارد و عامل اصلی آن سود های هنگفت انحصاری است که نصیب امپریالیسم میشود. بورژوازی امپریالیستی از راه استعمار توده عظیم پرولتاریای سرزمین خود و بدست آوردن سود های اضافی از مستعمرات قشرهای بالایی کارگران را در دامن خود میپرورد و به حفظ و حراست آن میپردازد.

همانطور که لنین روشن ساخت نمایندگان قشر بالایی کارگران نقش عامل بورژوازی را در رون جنبش کارگری بازی می کنند. آنها در خدمت سرمایه داران قرار دارند و روی توده ها تأثیر معینی دارند و عامل اصلی تفرقه در جنبش کارگری هستند و از پیوستگی نیروهای ترقیخواه در مبارزه با امپریالیسم جلوگیری بعمل می آورند. رهبران احزاب سوسیالیست راست و سندیکا - های زرد از میان قشر بالایی کارگری و خرده بورژوازی انتخاب می شوند. سرپرستان اشرافیت کارگری و بوروکراسی کارگری در درون طبقه کارگر از همین خاستگاه است که در حقیقت پشتیبان عمده اجتماعی بورژوازی محسوب می - شوند.

با وجود این، به هیچ وجه نباید قشر بالایی طبقه کارگر را با کارگرانی که مزد بالنسبه زیادی دریافت می کنند، یکسان دانست. بخش مهمی از کارگران این مزد ها را در نتیجه مبارزه طولانی خود بدست آورده اند، نه از راه امتیازات مصنوعی که توسط انحصارات تأمین شده باشد.

یادآور می شویم که کارگران متخصص اکنون نقش مهمی در جنبش انقلابی ایفاء می کنند.

### چرخش به سوی ارتجاع

در زندگی سیاسی و اجتماعی در عصر امپریالیسم، چرخش ارتجاعی در همه قلمروهای زندگی سیاسی و اجتماع

آزاد سازی ایران که مرکز آن در لندن قرار دارد، شعبه های در فرانکفورت و پاریس ایجاد کرده است. "جمهوری اسلامی ۱۴ / ۵ / ۵۹" بنی صدر: "فرانسه مراکز تعلیم خرابکاری علیه ایران را فراهم می کند" (کیهان ۱۵ / ۵ / ۵۹). "صد ام حسین به عربستان رفت، در این سفر مقامات بلند پایه نظامی امنیتی عراق، صد ام راهمراهی می کنند" (جمهوری اسلامی ۱۵ / ۵ / ۵۹) و در پی او بلافاصله ضیاء الحق وارد عربستان می گردد (کیهان ۱۸ / ۵ / ۵۹). "بختیار، نزیه، تنهاوندی و وزیرال اسراییل در اردن توطئه تازه ای علیه انقلاب ایران" (کیهان ۱۵ / ۵ / ۵۹). توطئه تازه ای که بدان اشاره شد، زیر نظر اسراییل و با حمایت آمریکا، طرح ریزی شده است. برای اجرای این توطئه اسراییل از جمله ۵۰ نفری که در اختیار نیروهای بختیار در عراق گذاشته است حساسیت لحظاتی کنونی برای انقلاب شکوهمند ایران، گسترش تدارکات جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب ایران و توسعه فعالیت ضد انقلاب در داخل و نیز ضرورت نوسازی بنیاد دین رهبر شئون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی، حیاتی بودن انتخاب در رنگ ناپذیر نخست وزیر و اعضای دولت جدید را به وظیفه مبرم ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بدل ساخته است. بویژه که با رهنمود

دانشجویان قهرمان ما در ژامیر - یالیسم جهانی در شرایط سخت نابرابری استقبال انواع عقوبت و زجر شکنجه و پورش سیعانه او با شان حرفه ای سرزمین فساد و جنایت فریاد ملت ایران را به گوش جهانیان رساندند و نگذاشتند که ضجه های کثیف مشتاقان آرزو بند و اشراف غاشیه کشت دربار رجا به پهلوی خائن مبارزه ضد - امپریالیستی مردم ایران را تخطئه کند.

نمونه های بارز دیگر همکاری و توطئه نیروهای امپریالیسم جهانی علیه انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران در اخبار هفته گذشته بوضوح به چشم میخورد.

این توطئه ها که در اردوگاه امپریالیسم با ابعاد دامن دار و وسیعی سازمان داده می شود، هشیاری بیش از پیش مقامات رهبری و مسئولان را می طلبد که آنی از تکیه به نیروی لایزال مردم موبسیح این نیرو غافل نمانند.

دامنه توطئه های امپریالیستی به سر - گردن امپریالیسم آمریکا و جنا پتکار اروپا همگرا کرد و اروپا، ژاپن و مزدوران و نوکران منطقه چون صد ام حسین، ضیاء الحق، ملک خالد، سادات و ... هر روز وسعت بیشتری مییابد. هر یک از این خبرها گوشه هایی از این توطئه ها را برملا می سازد.

"شبهه تبلیغاتی ضد انقلاب در اروپا کشف شد". "گروه با اصطلاح تلاش جهت

### بقیه در هفته گذشته

وکاناد اضمن پیامی که برای دانشجویان مسلمان بیروخط امام فرستاد، از مردم دعوت به برگزاری مراسم شب احیاء در برابر لانه جاسوسی آمریکا نمود. این مراسم که در شب ۱۴ / ۵ / ۵۹ مقابل لانه جاسوسی برگزار گردید، در ساعت ۳ با مداد با شعار - های "مرگ بر پلیس فاشیست آمریکا" به پایان رسید.

همزمان خبرنگاران بهمان محاکمه غیرقانونی و ضد انسانی دانشجویان مسلمان دستگیر شده توسط پلیس انگلستان خبر میدهند. این دانشجویان که تظا هرات آرامی به نشانه اعتراض به عمل جنایتکارانه دولت آمریکا در لندن ترتیب داد بودند به بهانه "سد معبر" توسط پلیس انگلستان دستگیر شدند.

تظا هرات انقلابی و ضد امپریالیستی دانشجویان مسلمان در آمریکا و اروپا نشان داد که همه نیروهای جهانی امپریالیسم، پلیس، مطبوعات، رادیو و تلویزیون های وابسته آن برای لکه دار کردن این مبارزات که عکس العمل طبیعی در برابر تظا هرات ساختگی ساواکی های فراری بود، از هیچ کوشش تباهی کننده فروگذار نکردند.

عی نمونه دیگری از گندیدگی و طفیلی - گری نظام سرمایه داری است. اگر ماهیت اقتصادی امپریالیسم حاکی از سلطه انحصارات بجای رقابت آزاد است ماهیت سیاسی آن بیانگر جانشینی و - پسگرائی بجای دمکراسی بورژوازی در زندگی سیاسی است. "امپریالیسم در سیاست خارجی مانند سیاست داخلی به نقض دمکراسی و برقراری ارتجاع گرایش دارد. در این مفهوم امپریالیسم بی هیچ گفتگو "نفی" دمکراسی بطور کلی و نفی هر نوع دمکراسی است." (ولنسن آثار، ج ۲، ص ۴۴ - ۴۵).

سرمایه انحصاری به لغو حقوق دمکراتیک زحمتکشان که طی مبارزه سرسختانه نسل های متعدد کارگران بدست آمده اند گرایش دارد. در دوران امپریالیسم فشار ارتجاعی از لحاظ سیاسی در فاشیسم متبلور می شود. سلطه انحصارات موجب تقویت و پسگرائی در قلمروهای ایدئولوژیک و فرهنگ می گردد.

طفیلی گری و گندیدگی سرمایه - انحصارگر نشان می دهد که شیوه تولید سرمایه داری از نفس می افتد و باید جایش را به نظام دیگری که پیشرو و تنوا - نمند است بسپارد. این نظام سوسیالیسم است.



امام هیچ مشکل متدیدی در این زمینه وجود ندارد.

باید بنا به رهنمود تاریخی امام، به انتخاب افراد دین رهیت و دولت پرداخت که در زکوران انقلاب از بومه آزمایش سرفراز بیرون آمدند و با سیاست "گام به گام" دولت موقت انقلاب سرآشتی ندارند و معتقد و مؤمن به رژیم جاتانه مردم قهرمان ایران با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. اگر به قول امام مصلحت مردم و انقلاب فراتر از مصلحت های شخصی در نظر گرفته شود، جایی برای چون و چرا تردید و چانه زدن باقی نمی ماند.

پایان خوش فرجام هفته گذشته برگزار با شکوه و بی نظیر روز قدس بود که در رسال گذشته به ابتکار امام برای همدردی با خلق قهرمان فلسطین تعیین شد.

شرکت عظیم توده های میلیونی مردم ایران در این روز مقدس مشتمل محکم بر دهان بلند گوه های استعمار رود شمنان رنگارنگ انقلاب ایران بود که با کارانه از زبان مردم انقلاب خلقی شان ورهبر برجسته آن دشنام میدهند.

روز قدس به دوستان و دشمنان انقلاب درس عظیمی داد.

به دوستان انقلاب آموخت تا زمانی که به رأی و اراده مردم احترام میگذارتند و در راه آزوهای دیرینشان گام بر میدارند، علیرغم همه زخم های دردناکی که زندگسی طاقت فرسا بردوششان نهادماز پشتیبانی و محبت بی دریغ توده های رنج و زحمت بر - خوردار خواهند بود.

صد اقت امام موصلت ضد امپریالیستوی تنخواه گردان استقبال پرشکوه مردم به دوستان و دشمنان سوگند خوردن انقلاب آموخت که در برابر اراده خلق بیسندار پشیزند و آب درهاون میسایند.

### درباره نویسنده داستان

فرانک یربی در سال ۱۹۱۶ در آگوستای جورجیا متولد شد و اکنون در اسپانیا زندگی می‌کند. او در آنستیتوی هیئت تحصیل کرد، از کالج بین‌لیسانس و از دانشگاه فیسک فوق‌لیسانس گرفت و تحصیلات عالی اش را در دانشگاه شیکاگو ادامه داد. امروزه یربی از بهترین رمان نویسان سیاه‌پوست آمریکای معاصر به شمار می‌آید. وی در سال ۱۹۴۴ جایزه یاد بود آفریقای جنوبی را به خاطر انتشار کتاب "بهداشتی که نخستین داستان کوتاه هوی-بیه-شما می‌رود" دریافت داشت. خوانندگان آثار وی سالها در استان‌های ورامی خواندند و وی نمی‌دانستند که سیاه‌پوست است. پسر از اینکه وضع مالیش بهبود یافت، سیاه‌پوست بودن خود را اعلام کرد. از آن تاریخ بعد تیراژ نوشته‌هایش در آمریکا به میزان بی‌سابقه‌ای کاهش یافت. این امر نشان داد که سیستم‌های نژادی حتی برقرشی هنرمند سیاه‌پوستان آمریکا نیز به همان صورت غیرانسانی اعمال می‌شود.

### کارت بهداشتی

جانی زیرکی از آمیهای گوشه‌خیز خیابان ایستاد و کوشید تا نام‌ها را بخواند. نورلامپ در خیابان "باتم" آنقدر ضعیف بود که او نمی‌توانست نیکی از کلمات را تشخیص دهد، ولی نیازی به این نبود، او تمام کلمات را از پرده‌اش خواند: "عزیزم، خیلی طول کشید و..."  
 بالاخره دست‌ش پودر نیازی برای آمدن و دیدن‌ترا به دست آورد. خیلی منتظر ماندم که به‌تو مرخصی بدهند، ولی به‌نظر می‌رسد که آنها چنین قصدی ندارند. عزیزم، نمی‌توانم بیش از این منتظر بمانم، باید تورا ببینم، حتماً جای مناسبی برایم گیربیاور. جایی که بتوانیم باهمدیگر شاد باشیم. منظورم را کمی فهمی؟  
 با همه عشقم، لی‌لی.

صندلی نشست.  
 - "مادام، جریان اینه که ز من الان تو "ناوت" زندگی می‌کنه، خیلی سعی کردم مرخصی بگیرم تا بتونم اونوببینم، ولی اونامعش منوسرمی‌د و وونن تا اینکه زنم کار کرد و پول کافی جور کرد تا بیاد اونوببینم، میخوام از شما خواهش کنم که یه تا ق به من اجازه بدین، جای دیگه‌ای ندارم که این خواهش را بکنم."  
 - "ولی اینجا هتل نیس، فرزند"  
 - "می‌دونم که نیس، اما من نمی‌تونم لی‌لی روبرو هیچ هتلی ببرم، نمی‌تونم ببرمش توهتلها این شهر"  
 - "لی‌لی زنته؟"  
 - "بله خانوم، اون هم سرخ‌پوست و وفادارو تکیه‌گا منه، من باهاش تو کلیسای "باپ تیست" دیترویت ازدواج کردم." زن چاق به پشت صندلی تکیه داد و لبخندی روی لبهای کلفتش نشست.  
 - "اون دختر خوبیه نیست؟ و تونمی‌خوای ببریش تویکی از این چند مخته‌هایی که اسمشو گذاشتن هتل؟"  
 - "همن طوره خانوم."  
 - "مطمئن باش که میتونی بیاریش اینجا، فرزند! از اینکه می‌تونی باهاش باشی خوشحال باشی، گشیش هم خوشحال میشه که اون اینجا بگونه، راستی، اسمت چیه؟"  
 - "جانی، جانی گرین، خانوم..."  
 - "جی‌فرزند؟"  
 - "میدونین که منم میخوام پیشش بومونم..."

### نوشته: فرانک یربی

## کارت بهداشتی

### ترجمه: منصور

می‌کنند. و بارها طرف نگاه کرد و یک قدم برگشت تا دست پشت سر یکی از ژانهای سفید پوست قرار گرفت. در زبان سفید پوست می‌گفت: "خیلی خوب، دخترها، کارت بهداشتی تونوببینم."  
 بعضی از دخترها شروع کردند به زیرورو کردن کیف‌هایشان، جانی می‌دید که آنها کارت‌های چهره زرد رنگی را بیرون می‌آورند. بقیه هم همانجا با چهره‌ای بیست‌زده ایستادند. سرپاها با صدای مبهم و نامفهوم زمزمه میکردند. در ژان‌ها از لا بلای جمعیت شروع به بازکردن راهشان کردند و جیح عبور کارت‌ها را با زرسی می‌کردند. یکی از دخترها کارت نداشت. پلیس شخصی را صدا کرد.  
 - "خیلی خوب آقا، عمه‌مینا روبیرین‌یه خوردن ما شین سوار کنه."  
 پلیس دختر را جلب می‌کرد و به زندان می‌انداخت. در ژان‌ها به‌کارشان ادامه دادند تا همه دخترها را - غیر از یکی‌شان - با زرسی کردند. آن‌دختر پشت یکی از مشتری‌ها - سیاهی زرد ش‌قایم شده بود و در ژان‌ها دفعه اول او را دیدند. موقع برگشتن یکی از دخترها او را دید و با زوریش را گرفت.  
 - "مندی، کارتتونشون بد ه‌بینم."  
 دختر ردحالی که چشم‌هایش را با ریک کرد مبدود به‌اخیره شد. دستتوبیکش کنار سفید.  
 در ژان سرخ شد. جانی با وجود تاریکی

میتوانستند راه بروند به صورت پراکنده وارد پادگان شدند. هشت نفر را با ماشین حمل‌گوشت آوردند. سه نفر را از شلیک گلوله زخمی شده بودند.  
 فرمانده رفتن سرپاهای سیاه‌پوست را به شهر، برای یک ماه ممنوع اعلام کرد.  
 - "لغت به این شانس، من باید برم‌لی‌لی روبینم، باید برم، نمیتونم اینجا بومون، نمیتونم!"  
 ویلی کوتوله پرسید: "چیکا رمی‌خوای بکنی، می‌خوای جیم‌بشی؟"  
 جانی او را نادان کرد. او بروهاش برادر هم‌کشید. "نه، می‌خوام برم فرمانده روبینم!"  
 - "جی میگی! مگه بیوونه‌ای! تا دهنسو واکنی فرمانده با پاره‌ردنگی تو الا غ‌سیاه‌رومی‌اندازه بیرون."  
 - "هرچه بادآباد... به طرف آینه، نیم‌تنه‌رو دیو رسرپا ز خنده رفت. با وقت کلاهش را میزان کرد. کراواتش را در آورد و گردان را محکم تکر کرد. بعد طبق مقررات نظامی انتهایش را به شکل مناسبی از بین د کله‌های پیراهنش توگذاشت. خم شد و دوباره کفشش را پاک کرد. هر چند که گردی برکشش نمنشسته بود.

ویلی کوتوله گفت: "مرد که توحتما بیوونه‌ای!"  
 - "فرض کن که اینطوره." بعد از در خارج شد و از لوله‌های چوبی کوچک پائین رفت. وقتی به جاده‌ها رسید که بخش سفید پوستان و سیاه پوستان را از هم جدا میکرد، قدم‌هایش سست شد. لحظه‌ای ایستاد، نفس عمیقی کشید و خیلی رسمی و جدی عرض جادو را با قدامهای نظامی پیمود. سرپاهای سفید پوست با کنجکاو به او خیره شدند ولی هیچکدام چیزی نگفتند. حتماً کسی آن سیاه‌پوست را به بخش آنها فرستاده بود. کاری به کارش نداشتند.

در مقابل دفترستاد فرماندهی ایستاد. می‌دانست چه باید بگوید، ولی نفس در گلورش برید. هسه بود و سخن گفتن عذاب‌آور بود. نگهبان فرمان ایستاد، "جی می‌خوای سرکار؟"  
 - "چه کسی تورا فرستاده؟"  
 جانی به تند نفسی کشید. "اجازه ندا رم بگم." کلمات را پرید. ه‌برید داد می‌کرد. نگهبان ادایش را در آورد. "توا اجازه نداد که بگی، خوب باشه. اگه توا اجازه نداری که بگی من هم اجازه ندم که بدم. او فرمانده روبینو قبل از اینکه سرب توشکمت خالی کنم، گورتو گم کن."  
 جانی تکان نخورد. نگهبان قنبداق تفنگش را بلند کرد و به طرف او آمد. در همین موقع گروه‌بانی از گوشه ساختمان بیرون آمد و صدا زد: "دست نگه‌دار، این سروصدا ای لعنتی چیه؟"  
 - "این سیاه می‌گه که می‌خواد فرمانده روبینونه و وقتی هم که از می‌پرسه چه کسی اونو فرستاده می‌گه اجازه نداره بگه."  
 گروه‌بان بطرف جانی برگشت. جانی متوجه شد و احترام نظامی گذاشت. احترام نظامی به گروه‌بان جزو دستور نظامی نیست ولی بعضی مواقع میتواند کمکی باشه. گروه‌بان به ملایمت پرسید: "جی داری که بگی پسر؟"  
 نفس جانی جا آمد. "پیغامی برای فرمانده دارم. قربان." دستورد ارم به‌کس دیگه‌ای غیر از خودش ننگ. حتی دستورد ارم که ننگ‌چه‌کسی این پیغام رو فرستاده، قربان."

متوجه سرخ شدن او شد.  
 - "گوش کن دختره، سیاه، بهت گفتم که بذار کارتوببینم."  
 - "منم بهت گفتم دستتوبیکش کنار مرده‌کد سفید!"  
 - "لعنتی، هرزه‌سیاه، کوتوله! بهتره کاری رو که بهت می‌گم بکنی."  
 جانی دست تهنمید که بعد ش‌حطور شد. ناگهان کشمکشی در گرفت و بعد در ژان سعی کرد دستش را کناری بکشد ولی نتوانست چونکه "دختره سیاه کوتوله" دست او را محکم لای دندانه‌هایش گرفته بود و می‌فشرده. در ژان دست د پگرش را عقب برد و سیلی محکم و بی‌صدایی به صورت دختر زد. دخترک به پشت روی زمین افتاد و دامن چسباننش جر خورد. وقتی بلند شد جانی دید که اوزیر دامنش چیزی نبوشید ه‌است.  
 دختر مثل گریه‌ای ناختمناش را به طرف چشم‌های دژبان نشانه گرفت و جلو آمد. در ژان دوباره سیلی محکم به او زد و ناگهان همه سرپاها هجوم آوردند.  
 در ژان ه‌افتادند روی زمین و اسلحه‌شان را کشیدند و یکی از آنها شروع کرد به سوت زدن. جانی که پشت سر آنها ایستاده بود فکر کرد که بهتر است از آنجا دور شود و همین‌کار را هم کرد ولی قبل از رفتن دید که در ژان‌های سفید پوست با با تون بطرف سرپاها سیاه‌پوست هجوم بردند. به ایستگاه اتوبوس رسید و به میله تابلوچسبید یک دقیقه بعد صدای شلیک چند گلوله شنید. هسه. راننده اتوبوس آمد و حرکت بود و به طرف پادگان به راه افتاد.  
 بعد از ساعت یک سرپاهایی که هنوز

بده‌ون اینکه سرش را برگرداند، تند از کنار شان رد شد. به اتوبوس که رسید، صدای سوت شنید. به دوروبرنگا کرد و دید که چهار در ژان و یک پلیس شخصی سرپاها را متوقف

بقیه در شماره آینده

### بقیه انقلاب فلسطین...

از پایان قرن نوزدهم صهیونیست ها شروع به اجرای برنامه های خود کردند. عرب های فلسطین با ایجاد و گسترش جنبش های ملی بخش خلق عرب فلسطین برضد هجوم صهیونیست ها به فلسطین وسلطه استعمارگران بریتانیا پس از جنگ اول جهانی برمیهن فلسطین عکس العمل نشان دادند.

اعلامیه با لفرور که در ۱۹۱۷ توسط دولت بریتانیا اعلام شد چراغ سبزی برای صهیونیست ها در ایجاد کانون ملی یهودی در فلسطین بود. این اعلامیه نتایج شومی برای خلق فلسطین داشته است. در حقیقت، اعلامیه با لفرور توطئه محافظان امپریالیستی انگلیس و روحانیان صهیونیستی بین المللی برای تحکیم مواضع استعماری و صهیونیستی در فلسطین و خفه کردن مبارزه رهاایش خلق های عرب بود.

در سال ۱۹۴۶ انگلستان با گرفتن ۳۷۵ میلیون دلار رشوه از آمریکا دست این کشور را در اجرای توطئه تقسیم فلسطین در سازمان ملل متحد بازگذاشت.

گسترش جنبش های ملی بخش خلق فلسطین مراحل متعددی را پشت سر گذارد. دکتر اشاعر عضو شورای ملی خلق فلسطین در این باره می گوید: پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در توسعه جنبش های ملی بخش منجمله در توسعه جنبش خلق فلسطین تأثیر عظیمی داشته است. این انقلاب به خلق مان نشان داد که مبارزه مصفا سرانجام به کسب آزادی و استقلال واقعی خواهد انجامید. مبارزه خلق فلسطین برضد صهیونیست ها استعمارگر و سلطه استعمارگران بریتانیا در سرزمین فلسطین توسعه و تحکیم یافت. این پاسخ شدیدی به سیاست استعماری صهیونیسم بود.

اما زیر افزایش تعداد مهاجران یهودی در فلسطین نشان میدهند. در پایان جنگ اول جهانی در فلسطین ۵۷ هزار مهاجر یهودی وجود داشت. این رقم در ۱۹۲۲ به ۸۳۷۹۰ رسید. در ۱۹۳۱ تعداد آنان دوبرابر شد: ۱۷۴۶۶۰. در ۱۹۴۴ شماره یهودیان به ۵۲۸۷۰۰ و در ۱۹۴۸ به ۵۹۰۰۰۰ بالغ گردید.

مهم ترین نشانه های مبارزه در فاصله سالهای ۴۰-۲۰ شورش های ۱۹۲۱، ۱۹۲۹، ۱۹۳۳، ۱۹۳۹ و ۱۹۳۶ خلق فلسطین بود.

سیاست تحریک و خشونت و تجاوز دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق عرب فلسطین موجب تحکیم صفوف مبارزه آزاد پخواهانان و استقلال طلبان این خلق قهرمان برضد صهیونیسم گردید. است.

جنبش مقاومت فلسطین از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۴ با مشکلات فراوان روبرو بود. است. این جنبش در ریوستگی صفوف خود بر مشکلات فائق آمد و به تحکیم و تقویت نیروی خود پرداخت.

مخصوصاً در ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ در این زمینه شریک بود. است. تجاوز اسرائیل به پشتیبانی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی علیه سوریه، مصر و اردن در ژوئن ۱۹۶۷ اخشم و غضب خلق فلسطین را برانگیخت و اراد و شادمانی را در مبارزه برای حق مشروع خود پیش از پیش را سخ نمود. پس از این دوره تعداد نیروهای مسلح جنبش فزونی یافت و آگاهی سیاسی و تربیت نظامی آنان بالا رفت. اما اختلافات موجود بین برخی سازمانهای فلسطینی موجب تضعیف جنبش گردید. پس از آزمایش سخت سپتامبر ۱۹۷۰ در اردن جنبش موفق شد روح رزمی اش را حفظ نماید. شرکت نیروهای جنبش و ارتش رهاایش فلسطین در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ حیثیت و اعتبار آنها را در افکار عمومی بالا برد و امکان داد تجربه جنگی قابل ملاحظه ای بدست آورند.

حوادث خونین سالهای اخیر در لبنان بمنظور سرکوب مبارزه خلق فلسطین بود. است. نیروهای ارتجاعی لبنان که رودر روی خلق قهرمان فلسطین ایستادند، از جانب محافظان رهابری اسرائیل پشتیبانی می شوند. این نیروها در این تلاشند که جنبش مقاومت فلسطین را درهم شکنند. اما علی رغم این توطئه های کثیف امپریالیستی جنبش مردم فلسطین از قدرت و استحکام لازم برخوردار است و تجربه عظیمی در مبارزه بدست آورد. است. صفوف جنبش خلق فلسطین مخصوصاً پس از جنگ هفت روزه جنوب لبنان در مارس ۱۹۷۸ افشرد. مترشد. است. نیروهای انقلابی فلسطین توانستند حمله بیش از ۳۰ هزار سربا صهیونیستی اسرائیل را که از حمایت واحدهای مهم هوایی و دریایی برخوردار بود، واپس برانند.

با سرعرفات رهبر جنبه آزادی بخش فلسطین با رها اعلام داشته است که؟ خلق فلسطین خواستار رحل مسالمت آمیز مسئله خاور نزدیک، بویژه مسئله فلسطین است. این را محل نباید به هیچ قید و شرط امپریالیستی و صهیونیستی آلوده باشد. سیزدهمین اجلاس هیئت شورای ملی فلسطین (قاهره ۲-۱۲ مارس

۱۹۷۷) که برنامه سیاسی نهضت مقاومت فلسطین را مورد بررسی قرار داد، حل مسئله فلسطین را بر اساس تصمیم شماره ۳۲۳۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ تأکید کرد. است. در حقیقت این شورا استفاده از همه وسائل انقلابی سیاسی و نظامی را در دفاع از منافع خلق قهرمان فلسطین بکار گرفته است.

سیاست تسلیم طلبانه سادات خائن مانع بسیار بزرگی برای حل عادلانه مسئله فلسطین است. این سیاست با منافع جنبه آزاد بخش فلسطین و کشورهای عرب که سرزمین شان در ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، تضاد بنیادی دارد.

همین سیاست خائنانا منموجب تنظیم قرارداد ننگین جد اگانه کمپ دیوید با اسرائیل شد که فقط صهیونیسم و امپریالیسم از آن نفع میبرند.

جنبه آزادی بخش فلسطین با این نوع راه حل های سیاسی که هدف آن نابودی حقوق خلق عرب و درجای نخست حقوق مشروع مردم فلسطین و تثبیت مواضع امپریالیسم و رخا و رزید یک است، سرآشتی ندارد.

خلق عرب فلسطین در طول سالها مبارزه خونین و سرسختانه با دشمنان واقعی بشریت: صهیونیسم و امپریالیسم و ستان واقعی خود را در جهان پنهان و رما شناخته و با ارزیابی دقیق این نیروها در مصاف با صهیونیسم جهانی گامهای پیروزمندانه برمی دارد.

اگر امروز اسرائیل به حمایت و لنتهای امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا حسارت میباید که "قدس" را به پایتخت اهریمنی خود بدل کند، این عمل نتیجه پیوند نامقدس امپریالیسم و رژیمهای خائن وابسته به آن در منطقه است. تأخیر در پیروزی خلق های عرب بویژه مردم فلسطین مستقیماً به سازه های دلت های "ملی گرا" و رژیم های قرون وسطایی در کشورهای عربی مربوط میشود. تا زمانی که رژیم های بدست نشاند های چون ملک حسن، ملک حسین، نعیری، سادات، صدام و دیگر عروسک های امپریالیسم وجود دارند، مبارزه خلق فلسطین با دشمنان روبروست.

با سرعرفات رهبر جنبه آزادی بخش فلسطین صف بندی

نیروها را در رخا و رمانه چنین توصیف میکند: "اگر آمریکا متحدینی دارد مثل سادات که به عربی سخن می گوید و مثل بگین که عبری است، ما نیز در کشورهای صلح دوست و کشورهای آفریقائی و بلوایک سوسیالیست به رهبری اتحاد جماهیر شوروی متحدینی داریم. ما هرگز تهدید نمی شویم و اگر بخوانند ما را تهدید کنند باید بداند ما با زور مورد تهدید واقع نشده و سنگر خود را و موضع خود را میشناسیم."

اکنون امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برای تحکیم مواضع اسرائیل نغمه دیرین خود را بوسیله سازشکاران و بورژوازی بودیگر "ملی گرایان" در صفوف مبارزان خلق عرب میدهند که گویا تأخیر در پیروزی و بر جای ماندن مشکلات دیرین در نهضت خلق عرب نتیجه اتحاد آنان با نهضت جهانی ضد امپریالیستی به رهبری اردوگاه سوسیالیسم است.

امپریالیسم برای خفه کردن انقلاب مصر از همین راه شروع کرد و به سادات امکان داد تا با از هم پاشیدن پیوند خلق مصر با جنبه سوسیالیسم راه سازش با امپریالیسم و تنظیم قرارداد کمپ دیوید را هموار سازد.

کسانی که امروز انستیمانسته همین توصیه ها را به خلق قهرمان فلسطین می کنند و به عمد یا غیر عمد روش سوسیالیسم جهانی را در برخورد با مساله فلسطین "مزورانه" اعلام میدارند، انقلاب فلسطین را به ناکامی سوق میدهند.

مردم قهرمان ایران هیچ پیوندی با این ارزیابی ها ندارند و مبارزه تاریخی و طولانی شان نیز با این برداشتها بیگانه است. پشتیبانی بیدریغ توده های میلیونی مردم ایران از انقلاب فلسطین از مضمون واقعی جنبش ضد امپریالیستی آنان مایه میگیرد. از اینرو این جنبش هیچگاه در اساس با نهضت جهانی ضد امپریالیسم در تضاد نیست.

با سرعرفات در ارزیابی دوستان و دشمنان واقعی انقلاب فلسطین روشن بینی خلق قهرمان فلسطین را بدینسان در مصاحبه خود منعکس میسازد:

"انقلاب فلسطین به رهبری جنبه آزادی بخش فلسطین روابط استوار و پیش از پیش وسیع با اتحاد شوروی خلق، دولت و حزب وی را با نظر ستایش مینگرد و برای تحکیم بوسط این روابط کوششهای خستگی ناپذیری به عمل می آورد."

انقلاب فلسطین کمک مهم و برجسته د انعی اتحاد شوروی بزرگ را به ملت عرب عمیقاً ستایش میکند. این کمک به ملت عرب توان و امکان میبخشد که پیروزیهای جدیدی در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بدست آورد.

انقلاب ما به حمایت فراوان اتحاد شوروی به امر عادلانه خلق عرب فلسطین و به مبارزه همه خلق ها و جنبشهای رهایی بخش ملی در سراسر جهان در رود و تهنیت میگوید. ملت ما و خلق ما از این پشتیبانی برای ادامه مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم و عروسکان خیمه شب بازان توان و نیرو میگیرد.

## شعر و انقلاب

" شیرین ترین شعر " گفتند  
" شعر دروغ گواست " و راست نگفتند  
زیرا که آنان تن پروران لوچ بودند:  
پاپوش سلاطین ستمگر  
وبی دلان

ای شعر بشکن تو این بتان را  
وبیا، با هم راهی به سوی ریا بگشاییم  
و ستارگان ملل را بفروزیم  
من راهیم کنون تازنگ ها را در رفغان آرم  
تا آتش را شعله ور سازم.

## هنر برای زندگی است

با گام هایم، من  
له می کنم مدعیان " هنر " را  
و فضل فروشان را  
پیران شعر را و فریفتگان را  
و برفرق سرها شان می گویم، شعرها شان را  
چرا که در رگ های من خون زندگی جاری است  
و خیانت نمی کنم، من  
به آرمان انسان خیانت نمی کنم  
پس توبه و زخان شو تو  
چرا که، الهام بخش من - اینجا -  
عشق بزرگ است  
عشق بزرگ است.

از: عبد الوهاب البیاتی  
ترجمه: عدنان غریفی

### هفت نام

اتحاد مردم صاحب امتیاز: محمود اعتماد زاده (به آذین) سردبیر: محمد تقی برومند نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹ تلفن: ۶۴۴۳۸۴ چاپ کواویان

### بقیه : بمناسبت روز قدس

باید در ریک جنبه به هم پیوسته نیرومند انجام گیرد، و آن جنبه جهانی غارت شدگان و مستعبدگان، جنبه همه نیروهای است که در جهان با امپریالیسم و صهیونیسم می جنگند و جابری سلطه جوئی یا برای منزه طلبی و طرد ورد نیروهائی که به بهانه های ذهنی نامطلوب شان می شماریم نیست، نبرد در رقیاس سراسر جهان جریان دارد، یا زگیری هم باید در رقیاس جهان باشد، هر موضوع گیری و هر سیاستی که در جنبه بزرگ و سرتاسری نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی شکاف بیند از یاد ر صد و بستن این یا آن شکاف موجود بر نیاید، دانسته و دانسته به امپریالیسم و صهیونیسم کمک می کند، باید از چارچوب تنگ تعصب بیرون آمد، باید به واقعیت های سیاسی - نظامی جهان امروز و بعد از آن توجه کرد، باید به آزادی انتخاب هر کس در آنچه به وی مربوط است احترام گذاشت، از جمله، در نبرد برای رهایی قدس و تمامی سرزمینهای غصب شده عربی جریان دارد، باید برای راد و مردم فلسطین در انتخابات د وستان و همزمان خود در جهان عرب و غیر عرب اصالت قائل شد، نباید، به عنوان آن که قدس و ولین قبله مسلمانان بود است و امرهایی آن به همه مسلمانان مربوط است، اولویت خود مردم قدس و فلسطین را در اداره نبرد با اسرائیل مورد تردید قرار داد، اداره این نبرد با سازمان رهایی بخش فلسطین است و پس باید با همه امکانات مادی و معنوی به آن کمک نمود، انقلاب فلسطین تنها یک حلقه از سلسله انقلابهای منطقه است، هم چنان که انقلاب ایران یا انقلاب افغانستان حلقه های آزادی هستند و باید به هم پیوند داد شوند، از این راه است که بر نیروی مقاومت شان در برابر امپریالیسم و صهیونیسم و بر قدرت تاثیر شان در رتودهای مستضعف منطقه به مراتب افزوده خواهد شد، انقلاب سراسر منطقه را فرا خواهد گرفت و کاخ استعماران خود فروخته به امپریالیسم و صهیونیسم را فرو خواهد ریخت

### بقیه : کارگران خارجی در سیستم ...

حکومت های کشورهای پیشرفته صنعتی با توجه به سهولت کنترل و استثمار کارگران مهاجر که محصول برآوردگی آنهاست، همواره در جهت حفظ و تعمیق فاصله بین کارگران محلی و خارجی می کوشند و مجال نمی دهند که آنها از صنف محروم ترین کارگران در ریا زارکا روجامعه خارج شوند، در جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، کشورهای اسکاندیناوی، سوئیس، ایالات متحده آمریکا، کانادا و غیره، چون پستهای خالی مستلزم تخصصی عالی است، به شهروندان کشور سیرد می شود و از این ریزمزد های زیاد هم به آنها داد می شود، علاوه بر این تعداد شهروندان محلی برای انجام کارهایی که محتاج تخصص نیست و بابت آن مزد کم پرداخت میشود، مخصوصاً در ساختمان و کشاورزی پیوسته روبره کاهش است، بر نو ترترین یکی از رهبران سندیکاهای ایتالیاد ر تحلیل شرایط کار کارگران ایتالیائی و سایر ملیت های شاغل در جمهوری فدرال آلمان به تمرکز مهاجرین، در شاخه های معین اقتصاد این کشور بود رجای نخست، به شاخه های که شرایط کار در آنها دشوار است، اشاره میکند، مثلاً اگر مهاجرین ۲۵٪ کارگران صنایع اتومبیل سازی آلمان غربی را تشکیل میدهند، این درصد برای آنهاست که به کارهای شاق میپردازند از ۳۰٪ بیشتر است، جالب اینجاست که مقامات آلمان غربی کوشش میکنند که نیروی کار خارجی نه تنها در شاخه های معین صنعت، بلکه در مناطق معین کشور، در مراکز صنعتی و مخصوصاً در مرحله های پست که فاقد شرایط ابتدائی برای زندگی و استراحت عادی اند، گرد آیند.

مشکلات اقتصاد و اجتماعی کارگران مهاجر هنگامی تشدید میشود که آنها زبان کشورهای محل اقامت خود را ندانند یا حتی به کلی بیسواد باشند، چنانکه طبق برآورد مطبوعات سندیکائی از سه و نیم میلیون خارجی مقیم فرانسه بیش از یک میلیون بیسوادند، از این روست که کارگران مهاجر غالباً از مواد قانون کار و مقررات قوانین محلی بی اطلاع میمانند و لذا نمیتوانند از منافع و حقوق خود در کار دفاع نمایند و در فعالیتهای سندیکائی شرکت جویند.

ندانستن زبان ارتباط آنان را با شهروندان این کشورها در شورا میسازد و دسترس به آموزش و بالا بردن سطح تخصص را برایشان ناممکن میگرداند.

آنچه در باره شرایط کار روزندگی زحمتکشان مهاجر گفته شد رویهم رفته در واقعیت جامعه سرمایه داری چیز عادی و معمولی است، البته اتفاق می افتد که موقعیت، هنگامی که تبعیض در حقوق این مزدوران جامعه بورژوائی و استثمار آنها به اوج خود برسد، فوق العاد مبد تر شود، معمولاً چنین وضعی در دوران تشدید پدید های بحران در اقتصاد سرمایه داری بوقوع می پیوندد.

چنانکه موقعیت اجتماعی - اقتصاد ی زحمتکشان مهاجر - مخصوصاً در شرایط بحران اقتصاد میانه دهه هفتاد و در دوران پس از آن بسیار روخیم شد، کارگران مهاجر با ازدست دادن حق اساسی کار کردن نخستین قربانیان بحران اقتصاد و تحولات ناشی از آن بودند.

سرمایه داری انحصار گرد و لتی تصمیم گرفت برای تخفیف دادن نمود های بحران، کارگران مهاجر را قربانی کند و بدین سان دامنه واقعی آن را بپوشاند. کارگران مهاجر نخستین کسانی بودند که از کار بیکار روسپس از کشوری که وسیعاً از کارشان استفاده میکرد، اخراج شدند. نام این افراد بدلیل اینکه تعداد مجموع بیکاران بزرگ جلوه نکند، در فهرست بیکاران قید نشده است.

در ۱۹۶۶-۱۹۶۷ صد ها هزار خارجی کار خود را در کشورهای جامعه اقتصاد ی اروپا از دست دادند و به کشورهای عود دادند. در این باره در اعلامیه کنگره راسیون عمومی کارفرانسه آمد است، دولت میخواهد پس از آن همه استثمارری - شرمناکه، مسئولیت بیکاری را متوجه مهاجرین سازد و علل واقعی بحران را در پیرودنگاهدارد.

در ایالات متحده در ریپایان ۱۹۷۴ نخست در مجالس قانون گذاری ایالت های جنوبی و سپس در رکنگره جنگ صلیبی بر ضد "خارجیان غیرقانونی" به راه افتاد. رودینو عضو کنگره بررسی طرح قانونی در باره اخراج یک میلیون آمریکائی لاتینی را از کشوری مجلس نمایندگان واگذاشت. تصویب این قانون امکان خواهد داد که کارگران مهاجر پیش از رانده شدن از کشوری به پرداخت جریمه و مجازات های زندان محکوم شوند. نیروهای پیشرو معتقدند که منظور محافل حاکمه آمریکا از کاربرد این سیاست ارتجاعی این است که نتایج بحران اقتصاد ی را به حساب "خارجیان زائد" تخفیف دهند و اینطور وانمود کنند که مسئول اصلی مشکلات جامعه آمریکا مهاجرین هستند.

### حقوق سیاسی زحمتکشان مهاجر

تبعیضی که زحمتکشان مهاجر و اعضای خانواده هایشان قربانی آن هستند، منحصر به قلمرو اجتماعی - اقتصادی نیست، بلکه آنها از حقوق سیاسی و آزادی های دموکراتیک ابتدائی مندرج در قانون اساسی کشورهای که کارشان را استثمار میکنند، نیز محروم اند. علی رغم تظریح و تاکید این حقوق و آزاد یها در اعلامیه جنبه حقوق بشر، در قرارداد بین المللی در باره لغو همه اشکال تبعیض نژادی، در بیمان های بین المللی در باره حقوق اقتصاد ی اجتماعی، مدنی و سیاسی، در قرارداد های مربوط به سازمان بین المللی کار و تصمیمات جامعه اقتصاد ی اروپا، هیچیک از آنها در مورد مهاجران و خانواده هایشان به جراد ر نمی آید.

بنابعقاده کلی، قوانین مربوط به حقوق کارگران مهاجر که از جانب کشورهای سرمایه داری پذیرفته شد چیزی است که به وضعیت افراد مطرود در زمینه سیاسی و اجتماعی - اقتصاد ی اختصاص دارد. حقوق دان معروف آلمان با اختری هلمان نووتنی در تشریح قانون پلیسی در باره بیگانگان که در ۱۹۶۵ در جمهوری فدرال آلمان به تصویب رسید، این قانون را "حقوق برای بربرها" توصیف کرده و آن را با فرمان های رایش سوم مقایسه می کند. او می نویسد "تبعیض قضایی خارجیان در جمهوری فدرال آلمان مبتنی بر قبول اصل بیست شش آن است. اندیشه ای که امکان داد است آنها را به مثابه افراد ی با فرهنگ پست مطرح نمایند."

قوانین مربوط به کارگران مهاجر مواردی را پیش بینی می کند که به بهانه آن می توان کارگران خارجی را اخراج نمود، یکی از این موارد دست زدن به فعالیت سیاسی نامطلوب است، در ایالات متحده آمریکا مواردی چون "سوء تفاهم با مقامات آمریکائی"، "ابتلابه بیماری های مسری"، "محکومیت در جرایم ناقض حقوق عمومی" و "عضویت در حزب کمونیست" موجب اخراج کارگران مهاجر میشود. بند ۱۰ قانون مربوط به بیگانگان در جمهوری فدرال آلمان محدودت یا منع فعالیت های سیاسی برای خارجیان و اخراج شان را از کشور "د رمواردی که این فعالیتها به نقض منافع ابراز عقیده سیاسی یا نقض سایر منافع سیاسی کشور مربوط شود" پیش بینی می کند.

وزارت امور خارجه انگلیس مجاز است هر مهاجر را که "نامطلوب" تشخیص دهد، بزور از کشور اخراج کند. از ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۷ تقریباً ۳۵۰ نفر به نظار اخراج در این کشور زندانی شدند بدیهی است که زور و فشار نخست متوجه کسانی است که به فعالیتها سندیکائی می پردازند یا دارای عقاید چپ اند. هفته نامه "تریبون" تأیید می کند "اختیاراتی که به پلیس یا به کارمندان خدمات مهاجر طبق قانون ۱۹۷۱ در باره مهاجرین تفویض شده، مانند توقیف کارگران بدون حکم، زندانی کردن در مدت نامعین و اخراج بدون دعوت شکافی جدی در آزادی های مدنی است."

خصلت طبقاتی سیاست بورژوازی انحصار گرد در مورد کارگران مهاجر با وضوح بیشتری در نقض حقوق آنها در زمینه عضویت در

سندیکاهای کشورهای مورد بحث نمایان می گردد. موسسات و مقامات دولتی این کشورها با این که در رقیاس معینی حق صوری شرکت کارگران خارجی را در فعالیتهای سندیکائی محل کارشان به رسمیت شناخته اند، معدنک با همه وسایلی می کوشند مقررات قانونی در این زمینه را ندادند. واقعیت نشان می دهد که سطح سازمانی کارگران مهاجر همواره پایین تر از کارگران محلی است و تعداد کارگران مهاجر انتخاب شد در ارگان های سندیکائی بسیار و ویژه شان در سندیکاهای مطابقت ندارد.

کارفرمایان و مقامات دولتی هر نوع کوشش مهاجرین را در تشکیل سندیکاهای خاص شان تبهکارانه سرکوب می کنند تا مبادا رهبران سندیکاهای به دفاع از منافع کارگران خارجی برخیزند. مخصوصاً "تاریخ مبارزه" طولانی و سراسر رنج "کشاورزان خارجی" در آمریکا برای تشکیل سندیکای خاص کارگران کشاورزی گواه روشنی بر این مدعا است. این تاریخ سرشار از قتل رهبران سندیکاهای اقدام های سرکوبگرانه توام با حبس و اخراج های جمعی کارگران مبارز است. کارفرمایان انگلیسی نشان داد هاند که در فرونشاندن کوشش های کارگران خارجی برای ایجاد سندیکایشان در موسسه لندنی گرانویک دست کمی از کارفرمایان آمریکائی ندارند.

دولت های کشورهای مهم سرمایه داری که همواره به بخار بکاری در فعالیت های سیاسی کارگران مهاجر می اندیشند در سیاست خود در باره امور مهاجرت از "اصل دورانسی" استفاده می کنند. این اصل مبتنی بر نوسازی دائمی ترکیب نیروی کار خارجی از راه تعیین مدت محدود برای اقامت کارگران خارجی در کشورهای مهاجر پذیر است. این اصل که به بهانه دفاع از بازار محلی کار در برابر خطر اشتغال مواضع کلیدی در تولید توسط کارگران مهاجر و همچنین پرهیز از "پیر شدن" نیروی کار متداول شده، به موسسات امکان می دهد که خود را از الزام ساختن خانه های مدرن، ایجاد موسسات فرهنگی برای مهاجران، رسیدگی به وضع خانواده هایشان و غیره رها سازند.

البته هدف اصلی این سیاست جلوگیری از اعتلای سطح آگاهی طبقه کارگر خارجی است. محدود نمودن مدت اقامت کارگران مهاجر در این یا آن کشور به جدا کردن آنها از کارگران محلی کمک می کند و مانع از شرکت آنها در فعالیت های سندیکائی و سیاسی و آشنائی با شرایط و اوضاع محلی می گردد.

تشدید مسایل مربوط به مهاجرین، شرکت دهمها میلیون انسان در راین نهضت، اجحافاتی که کارگران مهاجر قربانی آن هستند، افشای سوداگری بین المللی از نیروی کار خارجی، افکار عمومی جهان را بخود جلب کرده است. به همین علت مسائل مذکور در مجامع ذیصلاح بین المللی سازمان ملل متحد و سازمان های ویژه آن و سازمان بین المللی کار مورد بررسی قرار گرفته است. کشورهای شرکت کننده کنفرانس اروپائی مخصوصاً "در سند نهائی ضرورت" تأمین برابری حقوق زحمتکشان مهاجر و ملی کشورهای مهاجر پذیر را در زمینه شرایط اشتغال و کار و تأمین اجتماعی و برخورداری آنان را از شرایط زندگی رضایت بخش و مخصوصاً "مسکن" تأکید کرده اند.

واقعیت به وضوح نشان می دهد که جامعه بورژوائی معاصر نسبت به دهمها میلیون از اعضای خود یعنی زحمتکشان مهاجر رفتاری ضد بشری دارد. کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری که هیچ اعتنائی به تضمین آزادی، حقوق اساسی و مخصوصاً "حقوق کار برای توده عظیم شهروندان نشان ندارند، تعجبی نیست که به تعهدات ناشی از يك سلسله از بیمانها و قراردادهای بین المللی در زمینه حقوق مساوی زحمتکشان خارجی با کارگران محلی و محو تجاوزات و تبعیض در این مسایل احترام نگذارند.

دقیقاً به این دلیل است که سازمان های طبقاتی زحمتکشان - احزاب کارگری، سندیکاهای، مجامع دموکراتیک زحمتکشان مهاجر و سازمان های مختلف بین المللی - با سیاست مورد عمل سرمایه داری انحصار گرد و لتی در زمینه مهاجرت نیروی کار که هدف آن استفاده از این پدیده به منظور تحکیم استثمار و تبعیض و جدا ساختن طبقه کارگر بر حسب اصل ملی یا طبقاتی است، مخالفت می کنند. جنبش بین المللی کارگری تلاش می ورزد زحمتکشان مهاجر را در مبارزه طبقاتی شرکت دهد و پیوستگی گردان های چند ملیتی را در ارتش کار بر اساس اصول همبستگی و انترناسیونالیسم پرولتری تأمین نماید.